

بصيرت وحكمت كاانمول فزانه

"كشف الجرب معزة والما كي بخشي كه شرو آقاق تعنیف ہے جمع میں تعویف کے اسماد و رموز سے پردہ اُٹایا گاہے۔ والا ماحیے نے یہ کام حکایاتے کے ذریعے یاہے۔ ولى ادب ماحد بى مكاف آب ك فردة يى بن العلى معارة مامل الم يق - آغاز كان عرورة واللي بخش ك موافئ ميات يرجى تبعره كا اليب.

داناً مامية لاكالى يد ب / النوى ف كشعف الجوب بن تا زولاية كوره رة وقت كوكت اساونين لا - النوك في مرف ادرمرف ابني إدراشة كروم أذان ال کے انداز میں شوری بن کے بجائے المام کا پرتو والمني فوريعان نظ أمات - يون جو الف كال أوساني

ملے کے الارہ سکتاہ۔

ماية ائن دروى يومنقم كاكياب يلادرم كرَّ أَنْ مَكَاياتَ كاب وومرا الله مكاياتُ كا يو تُعلياتِ بُوى ادر اسوة حسد يرمنى بي . تيسرا درجراً تروط ليتت والعدي شاخ بن ادر و معزت داماً كل بخش ك ذا قد تجريات يرشني كثف الحرب كم مونات أو وام كم في الله الله عرف المع عدماء والمبت المع المالك ك في وكايات يه افوتيات، دين اقداد، سأجى اورمساران

امولات كا ايك النول اورنا ورفع الم معنرب - وانا صاحت في مكايف ك ذري الى خ الكرك مام ولك ك قالى با والم يالس اديد في بروفو كا كونة مايدة كاب ين はかれいかんとくかからいいからこんさ المان المراع الدام وق وكا بالرفي المعلى المان ال الم كتب يفي ع - بين أميد والقيار أن اع داوران - Longin Lovie

वेद्यान हरित विद्या । परित्र कार्य केंद्र विद्या الكرائ ويتغنب دامد ك كالمرسول، المشدياد

شدیر ، دب فاد مک F. A. A. - 12-1 مرمنيف ثالبر استعياقه حر

ملومات شخافا الي 4. S. Se Se Salas

حكايات كشذ المجوب

حرت والكي بخق رائد الدُول يا الدُّول الإالمان إن على بن المن الط المز أوى ب أب مع بري عيد فواني من بدا موس عدت والمماسية الأقدار عروفت ك عَلَى عَنْ فِي كُونَ فِي مِنْ الْمُرْاوِلُ فِي الْمُدْرِجِيّا فَعَلَى الْمُرَالِ وَلَيْ فَي فَالْ الْمِينِينَ عدادد باب وام درية لذا من عبد عاليك مرادى كما ارالالله جال جائية مدك دومال ميرات آب مالدددالدوادرماس

مرالت فوق مي آق بي مرجلية فيتان مي. الكركين كاستطى دوق اورش ماوت مقالك ونا يستن الدونا س ولدست سائ بدارى وكروكر اوروقات بي منفل وحووف ديد ال ماصل

いっこういいいけんりというかんこんかいいいかんしょんしゅん أند الجان، فرسان مؤرسان ، كران مزاسان ، مداكن سه وكان الدرميز كهمز متاركا ان مقالت كا ماد منظ الدمث كا كرام كا ورنس م التساب والكوام الاحدك بالمالة دموف كافدت في مالزيرة الإسلاميديدي حزت الوالعنش محدين من من روة الدهليك مريد في ران ك ماده من مديد بدك سائد رون ما وكان جاد سيد الزاد الدارات م في ال

. はかいられかいいりとい آب ابت وف ک دحال کے آید میں مالم شاب می اور ڈولوٹ الٹ آپ ک مراوات كالعدات في احدرض الدراوسليج ري فصادرات كالدكاف ب لا بريز له ايناس تين اسلام / وكون كل الب كالفيف كشف اليب كرماند عدالي كاسب والانتانية الإلى المال منال الدين الاسالة مريداً قرق داخرة عن من سباب والخر أخرب الرماية بحر قبال الريالا بنديدا بان بين ، بان بي بيريد بي كاختيث كاختيث الحيب هدت العم كا شع ترين 60 ひんかいこのかいりりいというはこうできたいいい ニーニンといり مرشد جان ك بيكشف الرب وشب الشف الجرب كالدي وال まずいのからいなというかんまいいはのれのなったりだい

Extractive in the set of the prosition where المردة ويول عيان ساف ما المال على المرورة والمال حي يخض منين مالم شكر لارخدا

المقال ما يركال كالحال ما ينا كان وله مال عدوي كام على انتقاد الداميل آيك وله يعادي وسدري بالدياد المراجى ومري يريها راكه لامزار يا الديم المسالة

とればないのであっていりからからからしいとのになっていん سفائي كاريخ وراج يوى الريك بدع بدين كم معان أب كرونات - Grange Jug De Jugar

كنف الجرب لا يلاي ب اثبات عم ك بدع مي بت ادر حزت مقامات

المرك فنفت كالام إلى او صفرات والم الدهر والم كا مديث مقد كال できるいこののんりんいいろんんんかんとりないと مردى بعد الريد عمل بعد لذا في كالمرائ بعال بالريك.

اس بفكراند قال ف الجدائر كاندت والأست والمقدمال وجاور في كرم مل الده طيوسم من اليسيد الله يا في سياه اللي بعدد واليب الديد الداي الصافيات باوالكام بن والع رسال مرجرة الما على مون داكم الماليات في المن عديد على ليا فياه

اللك مؤدرت بدي كو صور مردكين من الأعليد مع كارف وست كريد طويات المعكانف والكاكم عندما والرياك والمالك المدينة المعالم والله وعرائة المال والمال المرا موت ما ما ما الماري من ما والل سال الدواد المارية على يصل ديدي الديك دور الردي عدوى كوالم يرافق ما ناب الدان مدان كديون ك الوات الله وي كرا مرا ك كران مستدين ادر على اى وقت على كما يكب حب ووعلى ك سأخد م أو مو مكر السان الله كا عربان والما الماران المارية والمارية المارية المارية اسان والمعلمات كادالان المردورة الدامان وكان مال كالدو إِنْ كَالْمُنَامَتُ كَاعَلِ سَرَبْتِ تَبْرِكَاعِلِ أَكِينِيتِ نِيتَ كَانَّمُ أَدِ الكَانِ لَ وَكَامِل はかんいしいいとのことでからしまからいしんいいんいいしん مى عديد والمراس بعداد وياسه كرام والروال ي دك المديد والري في برك من من عن مواد ماليد كالراب من المالية من المالية والماب ال يدارك والماد المادوات وعزوان العام والكارية يمالك بسعاد على بى ك وزياد النان وأب الان دريا عد الريام كاع المشق الاسكان عدد بوقده فلوال المسترين بيا الوطران عالمان

Kozas Andonoran Lund Aliceptor الحالمة المركادا ع دان ي وعدر فاد باد الم ما حارية المخ وتبع ملك لبيعا للالا موادين والدولاد والدولات المست بروع ومن وم عدال عدد وم الا ما در بالم دى على كامية عاد كاديد بال محد كوسن بالى ياي كة بر الرعد ك تين الله مود عدد الداري الله و يك ويك عدا الله ويك المراد و

مع مالا كريد الى اللي يدي. عراد على كا يك د في كار مناص كرت ويد المون و الماس الله اس إب مي دد مكامين بان والى اير يك حزت ادارم ادم روز الدلا خریت کراک روم ترک مدان موند شده برخ بها به ادع این داده مال سال مدان کرد به در کرده در موت به به در در در در شد به در ان بادر شد کارک یک آن در ان مادم شده ناخ دردی کد

دان ماموسید نید فتی دود فیل کدیدر جدید این آن آن شدند که این دینان سیاسید بیشتر بی های این فیل در کسید جدید و ادخه این در سک کند بیان دینان کشته داده این فیل کشیر بیشتر این این کسید این این کم کنید خود بیشتر و بید و در شده مواکن بود در این میشتر کیان کنید و مرحد خوال کورسیده و بید و در در شده مواکن بیشتر شده این کر شده مرحد خوال کورسیده و بید و در

من ورق العاملية المحالي بينا في المجال برياسة بما الموافقة المواف

ا با نتیج در دارد می است مرح این اردن به صفحه اصاحت این بر بی بی بی بید. این در بین که کام او افزاد سه خالت بری او خالد شک که سه بین که مؤته کمید در بین که کام او افزاد سه خالت بری او خالد شک که سه بین که مؤته مجمع بین بین کام این کم خال سه که من با کما در در این است که من با کما در در این ا

در با برای می در این به این می در این می در این می در این به برای این برای این برای این برای این برای این برای می در این به این برای می در این برای برای در این برای برای در این برای در

ریست به چوب بود بی ادران سیار مند موجیها ای مانند تا به این او این دانیدسان آن دوان برای چرب مانیدیگر. این مدر برای داد برای چرب از این باز کرد. برسند کیدا در دانایت بیان دوسته می کرد. دوسته می کرد.

اس برگاری آندگاه افزار بیانشن نظارت نگانت که هما در سبت ترابیده خم برد می میزدرست و اس که عنوانی در است برمی انتخد طرفیان اسی اب می حورت و از مدارست عرف است مهارای نیست عرف در فرز ک برد. ایر عرفه از است برای است در اعزان کابست. ایسان کابسته

ر الرواس المدينة المراس المساحة المساحة المواقع المواقع المساحة المواقع المواقع المساحة المواقع المواقع المواقع المراقع المستندية في المراسسة الرواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع ا المراقع المستندية في المراقع المواقع ا المراقع المواقع ا

که مثل نظاع مرود در سعد که باوشیده انده نامب کمیشیدند که رسیک منظیره می این کرمند بازی در به مثلید رای که در دار شامب شاعد می رسید ادر این اطاق که این ساخت و در داری در بازی در بیدر بر رسید برای در این ماهدید از می میکنده این میکنده این میکنده این میکنده این میکنده می می میکند بر میرد برای میکند را میکند در این در در در این شاید را می گذار این میکند این میکند

ا جروع بریک برین براند ایر دونده بهداده این از این کا داخل کا تا بیداند. مین دیوان دیوان و کار این کو چیک این میدوان کا کسی کام سک بدانسد با بریک و چیک بیدان کا تین که کدورزات به کام دو ایست شدگی اگر و میادان کا کار این بدار دون کا گیان کهروسدان و چیک بدارش کاملی ریش شده چیا دو کان سا

میرت مدتر ایس و رود و در در از و جاسده ادرخ ایک دریان کهتر .. دیری طرف مه مهار گرا او ای و استشار کهندگان. میری طرفت می کهدر در کاری در کار استشار کهندگان. چه دورت دیران از آن از در در از شدی که میری شاید از ایسان کهی به برای ایسان کردید چهای درت موال که مواسب شدناز میران جهار دادن شاید با در کارن منت یک

در این به این با در این به این این این این این این این به به این به ای

دی داند براک ول کارے مرت بازید دانت جداری فی مرافیک محدد کا کی با مراور اس کا مروی سے دادہ کا مرحق کا مرتفی کا مرتفی کا

المناصب عد المواصف المناصب المن المناصب المنا

حوزت ده مداسیا بینده از ایران مرتزی در در اند خوک کرکید داد: نخته تیرادی، سازان میداک داد خورش خیرارشد کسی بی در و در کامی این کسته بی کامی جداسته شیراری ایران به خوش ان بیرسید بینده حقود نوشد اور مرکابی میز خشری کامی در ایران بیران کرد در کشور کارورش و می ما تیران بیران اسال میداد. در در باید از و افزود اندر موزان میزان ایران شامی خشد بیران بیران میشد.

اسیان عیدید موزی دانوان میزاند آن می کاید ندگی دو دکومتونیک استان می و در این میزاند داری ایران کی کای اختریت امار نیزان میزاند ایران میزان کی داری میزان می میزان می

بصدیب فالب طایت سے دھیروارم جانے اس وفن اورفق سے باز مرکار

موفی گون ہے کشندہ گریسک باب نقوقت می موزت وانا صادب اُنے موق ک مقیقت آنا کارسکا جسته دو داخلت والی سک فورج بچل یک جہادو اینے ذائمہ نے ک

مدے تبایا ہے۔ اس زمانی مانی کا کار گونوں مقرشاں موبایا عادی میں اس میں ہے۔ یہ دوسے دکی آئی ہے اور احترشات الاحتسان کے داوال سے دوستی ہے۔ کے دائی کی میرانی کر این انتخابات کے کسے دوستی ہی اور اکن منافرات سے مذائی کی میرانی میرانی میارند میں میران کو اس واقعیت میں میانچید

در هدار ما بازند استان بازند استان بازند از ما استان بازند ادر انتقال می بادند استان بازند این بازند بازند است معالی می بازند استان می برند بازند بازند از استان بازند بازند استان بازند بازند استان بازند بازند استان بازند می بازند استان بازند بازند استان بازند می بازند استان بازند می بازند می بازند ب

من والإستان المنافرة من المنافرة من المنافرة من كما الإصلام المنافرة المنافرة

ک دریان عباد سازی تقا وه بدلاک دنده چید بیندس مین بین دان شد آب ند برایت مشدر چین ، دقعی ایرموز و هندک درمان بی بی رایب سه بط بست سد درمان آور یک بین داکم کان سیستردانشان دونا بازی طروح با خروان بی دانید

من حدثه المساحة المواقعة في بالأكثرة في المكتبرة على المقام المراقعة في المحافظة المساحة المنظمة المواقعة في المحافظة المساحة المساحة المحافظة الم

مدان مجارت بورسیدی این بازیک هزار در میشدن او هدی در خوادان که سیاه آن بخانست با می افزان میدان با در می کارد با نداد این می از وجه برسید که که بیشتری می از می وصدر کیسیدی از می کند این از می از می از می

ر در مدی از بدر به به تردادی که یک بیش از این روی برای با در است برای با در این به از اداری این این از این از این مهم به است که این به این به این به از این در این از این به این به این به این به این از ای در این از ای

عرين لايمارت كانت الايراك كل.

ي او المراقبين ميد المثارات في الميانية الموافقة المؤافرة المداون المداون الميانية الموافقة المؤافرة الميانية الميانية

مستث که دانو (لابر کلی این اس ای بدید که دانشدن که به دورت دکا ما دریا که بیسید خاصیدی کامید می معنی موان نزدید و ادرمام با در که دریان مدت که که مدی کامید می در کار واز داراید مود کرام نیز دشت کنندارشد که مال کندار سعایی دانشد ای آن که که می مود کرام نیز دانشد که مددارشد که مال کندار سعایی دانشد ای آن که که می مود کرام نیز دانشد که مددارشد که مال کندار می مود از این مود از این مود که می مود از این مود ا

میره به ساوون مرداب بذه بدیم می که دارگر الله تناق شد دیمان سع متور فرایلید بیان اندر کسی که جوردان کانا فریست داشی ادر دارگرد با این سع متوان سعه دیمانی خود مارند دی اور کشان مزیرگاه مهافقاً کرمی مورم سدگردان سع معزد سف

المستودي المرابط كالمسكولات مولكا: من خدافك مثلث بايان كماتريكا: المستونت المراد المستوان المستوديك برشك في للدمتين المراد المراد المستوان المستوديك بدواً موت مارشا خداكا والكان المستوانات المستوانات المستوانات المستوانات

اس که داشت پریست از خورسوا « با شده انده می موست آن کیست به درخیارگذار دخشت در دوگرایخت در فرقا دگی سه ۱۰ سر داشت که بیداد درخیاری ادادی کار برا مها از نگست که ایسر بیری داشت به برای بست کرجه با چذا ایسر کار داشتا کار داشتا دا چی اداد میزش که دیشت می مقامت که ساز کار دادا بین اور دو هم نوان که دوشتای

ئے۔ دوسیے کے مائڈ اور نے بھرے دکھتا ہوں۔ اس بوصن مدتر مالومن الڈ علیہ طرف وزایا است مارٹ اقراف کے میان اوا ہدا ہے میں برنا افزاد کے ناتی عرف وزایا کا جن اوالیہ اودھنین موڈ کا

كُدُوى اوليا داللَّه كى زينت ب

ا در شانا ما مدستا الانتقاعي كوگاه ي إلى أنجيد بهنا المؤلف به المواد المهام المواد المواد المواد المواد المواد ها الأواد المواد ال والمواد المواد ال

المنظمة المنظ

برياس دوب جرس شاف عان كامل

ام دائيد مك مندند كي اول امن به منوات شهار درياض مهواي مكسمتن مكري امام امندنا شدن وي دادامن به صف كركس وي امام وكايسه كولت در دفت المكن كونت مرات مراقل بعد جالد مهم مدن اي امان مندك مدين المراسف الراق كارسيد الداري موادي سورت دون مكرية مورت الماملين الراق كارسيد الداري كامن والمرات و منوي سينت دون مكرية

/ قباملتک عامی جاسے برقریر دیا ہو ہوگا۔ گدوی موفول کیلیے قباس و فاہیے اسی میں میں منزے ما اساسی اسے اپنے

ای تو میراندن و آمان سیارت به شامت ایجان تا ایادی ترکزیکی عدایت خادت ادال بیان کرند به عاصله بیشان می می سندای سه است که دروش که بید کم افزیکی تیزیزی بستاج عادی بیشان وادم افزار خادا

احوں سفواؤا خی جز ایفز واحث و دورکان کے بیلے افزیدی جی بدن جی سے کو بہام مقرّ زیبانی ایک بے کوکٹن جی برد کہ اصلاقی درست کرنے وہ دورے برکز کیا ہے سٹانیڈرکٹ اورٹیرے برکزومن میرانون انٹیکرست درکتے، جن کوروز دوک بال شریط عیب

مين استنداري مالت مي م في بديد ادرود في اس مال مي اسف باس كردار الميدين الدائ كاعرى كيت اسكسان برما عران كالمن مرت يرقب ميكيت اسفاحال كاختافت كم يليم قاب موت المنا الدين فنيف الفي مي سال كاستاب منت ال بنا. وه مرسال ماسط who who will the of the of the properties ذكرة الى المثن والشت ومشتب سنة كاكمال والطفة تفادر كمن كشى منس ينف تعدد الديد في الم والمنت من الدين بين ك الرائد و عيى الدون وكان إدا أزعت ترامن غرال

الاى ين كرويه على وكروا بده منديا كالكرين الداس لاس ك وفا فت ان جيد بن كرشك بي -

المد على عود في الموالي مدول مدول المدول • وغاله دا س كون سين دكاي ،

ورفيل في جاب والم رسول الشعل الشروع بدعر في عيري عيري ال الب عرّ اودرا عراد تعرق فار تحارباه فاجن سفيكون كاب كونعا عديد استال يد عر مدر يد استاري على السديد عد اور يك على مدود مك افراك عراد الما يا كان أت دوت ومال كمعمل كادر بديانيا. من فان تين معيترن برساه بوش امتاری سه

مزت رتش كامكايت

حفرت والله وعد الدهليد كالمدود الها وسكاكن محلري سد الأرب ال كر النبي باس هوى م الديك مكان ك دروان عديد منك وى ادر إلى الكا مترو عدد رنبداكي موست بان لارق سدكراى رامز سفيان يا ادرمب ول بلا ف داست كى فرون ديك ق اس كمن وبال يرفريت موات اورود بازند يرويدا ويزك بيزلى بديك مكان إرهاة مويت وقتل حاكما اعظام إين إن لا أكب تحرف بين كي ميان أما شاهد شاري المرت وحدة إلى المراب الأرم اول مد الله عد الكراب والمساعات الما

دومر كافيا بعد الدي في العالم الماس تعالى من وعدوا. حرت وقتل دل کے اعراق مرد مرکام کے اندیک اور وی سے اندی كوليد لا كالإب بيد حدوصاب احر تنا وه النين حام بن ساكا، يم كارش المعان ادر عدول من وادرات من ادر صرت مرتشل ادر فرعائ مد نتانا ين وروكسف ك أواصف شد أداروى مرى كدى وال باسك

うとかりこりなりというと معزب ومن سفاكما منيب عدا الاستكا عدد من تهفاك فرياس مزود فاد برا فادر براك مراك فدرة سعد مدون كاباى ادر قدار عام سے كارى الدل بعداب الرية دورى مرقع ماسعان نوداد عدد برقاب اس سان در ومون الان الانارى ع عى كى مقادرات كى بران ددادى كى تاريدى

ير عان سديد الحدوات في أمون كالمديدة عديد الما من الماكن في のとうこととのいろしまりいいかんとうないからいっという。 - 上 infragoryactopystophicologica. الميناس كراب يوند كاستاندون يرواب إولى المست كرش بالماد مراض في البيد تني يركد والمرود والبيت كالمتابيد مراول البضائا وك الله ين لا براقاً إلى عد العدى إلى كومنا في برق بدا مدويمالي الد かんとんだんいりかーでいくなるといれるといれ

مرطن است است است من معان التاء كى بالك كا تشرك كرم البث ك مدان 142076444 لأنى م دست بدن خامقديد ب افز كا بلود المان Chippophinited Line 2 Lines Si سا براه عين فتر مي درست براه كيات سفة كا مادي برا يسب كرمال

ك فيدم دار است وجود وستى ك فيدادداس مي كول كد ادرسول ليدى site is lande borketsing といるととこのからといういいいいいいいからいると مرى در المرائد و الله المائية والموال في المائية الى بودئال، داست يرجي لدران الله الله عند النين لهن فراليا بعادة دانامات الله عدف أى حلى كرمدت من كالدى د كالتي ويك العبداك بعداد المان بدك المدين والدين على والدين المراد المان いいかとはいいかのなるようとのはあしかはいいい

العمزت مع طياسهم إيرافاراث كالمذي ت كيده وخلال مي إحفرت يمر الطواعة ويثان كالاري كرك مريدندي ف التان مزدت الله عددت الإيضاء الدائل في مرب مروك الدائم بدا المي الد حزت دانا ما حب واحدة بركري في افدالتر ووسل اليان ميدكي

ي عياسلم لم دولا،

いかんといいとはのいはないいけんかんかん ادر در منا مناه و مرب وي بزي كما احتاث ولك بينك وت في ي نراب تل میزی کلزی دکر و ادر گام و حزیر اور و دانسی گذری میشا مشاہیر است しいにんりんりははいかと

عزي الماس عن عدا المعراق والدوولان كا يعال ف الن المال المال الله المالد حست النال مك الن كالدي الدر صلة يدب وتب يون ف ف ادران ويومون ف يك ويد برسا ف يرب يروم فل سف اكاون سال يك بدائدى مين اوراس يرب الك

يد فات ت . الي وال كى ملايق مي مي سفيرها بيد والتي دورون تحرس كيد ماحب شايره التدادد ودرست ماري مرايد وماسر مرايد اللا ك قام مركب العداد الذي والراع ك والن والمنان الم ين برن برن من الدرما مسيم إنه وروني سنة و فاق مرويي وريده الدوكان

ما ب الداس بدور الماميل ما بدار فران الله الداس بدور الله おかんかいいのひりとりんしいいるとしいれいれいかっと

الفاول ومرعاول عيمرتين いないはんなっといいんとんのとりがまること orbitalist of all on a conflict the state

ميلا ما تد دارون في مؤلى كالنم أن كاعبرل من أال وى عرف ف أن كالون · 52 - 1 - 6 - 50 روي يىدول يوجن ف وايت كرد الروي فردى قامن ال

تهت مي كونانني نه بوادروده جايبت إخذ بي : يمنعرف عرون إلى إدال كروع عدد ورعاديد はこといころのかんいんいりんと しんとうい

اس دیاک ال کروں مالاری مروس سے بتر بنوام اور کے بن الرت جند كرار عين يا والم يت كدو الكيد مدد الميداد كراب العلق على

ے اور ب محد المان في المان وال والبريت إلى كود مجا حزت وزال ل المال الله يما في المال المالية المعرود ويمال من المالية

الاستادت واساف دوستان مرك ادر ماحت اربادي سد اكب ولا تك عزت ي الراب المع على في الماك كالمالي من المراب

ے اس نے دیا ان اس اور مناک مدی مات سے موت ہوت ہوت ہوت ا سال من كالم الدكل مالت الين من وجي كما عصر من بو

دوتان ندائی نذا طامت ہے

يَّنَا الرهام ما في رحدًا الله عليه أكب وان كدست ميسه الرسوكر بازاد عي سكك . はいんはっかいいといいからかりだけらしことという الگا ? مب مريث يه باست كي داس كه دادت كي مزت شه باشا ما در له ميرد Mehind and Linker Son Spain

Lacistration States il spet By rote 10 was paragine 216 15 Vouds you have 、くとうりはからしょとりないとり、

دومدوق الثالة مرد المصلوق لأكريس ماسط وكدولا ادرج مرك الم عمريات سددق كوا لا و وخلون ع صرا جواتنا ادر بر طلالكان ك ف في العام خريب كاروهان طون كويت مريد في خويث أولا はりにとのないととのかのはとしのできんしかいに

いくととときなりんかっと يد القاب والله إلى المراة م مني إلى مالة كمري يرسب كومني جل برهن 412 List Dies & hard wild good wine وال كمان في كرادواب إمراك فاتب رك وابد أقر كون المعتمر

امر الموسى مديا مثان فليدم وفي الدُر ثقال مد اكيدون مجدول ك إن سازيت فعادرت ساكان وكالخنام جاثنا واقتا مادكرات كمارس . Suridue wet

12/184124

ال براموش وكالمات ب No of white Wine 1 142 co. 47 co - 4- +1 مرسطين الكالم وغال غالما المراكم المناف كالكالمان

シントンアをもいいとりときとういちとういっている عدكسوا والمراك فراعد الماك فالعداد كالرسي كالدوالد アルニアインがとってかりとうととといういん كساقة عوى كامست مي الرواعات جوت الإيدة كوب سلام والرافرك الدان كاسترك يدى يهادان كالعرودات كالكالتكريد قان ادر ای دول کارمندور والدادی سنتی و کررشان سے برگ

مب استدار ك والان كارب سط قرام كما من كاستن عد المدون ما المائدة المراسان المراس که جنرت الم يزيد بوكر معزى قے اور دون در كن كى سنز جى امالت بعدب (ピュルアはしはしはいはかりととり المناوي الماري المسترود الله في المريد و محالا Latiel

حرت والماسة والتي كاك ون الصافرت كالبر المادو فالال ل مبن مي شخف كالفاق مِل الله من سع البائد اكب سع كال فلذ وكت من ك وال عامل وروعي وال في الدون ك عالم المال في الم المديرك ورائي عدم فاست كسيديد والكراد الفن عف على الله Cosとからりがしいくといというはらいしい しゅうしんしょうかんかしょうしゃくないからいろうしょ ميد تي دادي تري المائي عدر المائي ك الد طوا كالبدائي نرار فقة عامت كاننت وعرف يدادوم الديم فنعرام فق ك طرمنا جا على كالي والحل كامزونت بصاوروه ومل سنت وول الأملاات

طبوط کامنافت سے جب می کئے فاہر می وزائن کا تارک و کھٹا جن مالاکرا からしたこんかんかんのはいいいいいい ظ میون کافیدت الله تعالی کی میزست این افزت بنور کری بین کروکل می موست التال عاماليد.

معزت واكمامية بإن كرية بي كريك ون بي ما ومانغرين ليب طامق ا ب دوفق جا أن دونان يما غاسكا، است بنا في إلى اخالي بدست تري كيا مراوست إ

. 上上にないこいかしかりましい ی نے ای بات برول می مویا . برطوق قربست زیادہ سے اور تری تو بہت صلاب ان سبب ا با بها قراد ا شعل بدر الرف علت ساجرا عيدا

حزت برام ادم كى حايث

ك مود كالماد والتي موج وكالم كالم والمراعة بدا أادر عدا なっこんいのんかいけんはいかいとうののはんり 人人というからけによるというしゅうこういかられるから upon the & the pro- State of بداى وقت لي مشدم يا الما إلى بالدب من الميد الان من عنا الدوال بار - parti proceso partico por de contrata o de l'ée manie of les visites. wolow, to wastite and good fine بول مران والمال في المدين فيدي تيسري معربي الدوال مرب ما وي ما ماري ما يو اللي او مود ي مي يدا شت عد إمر ما كل الله

> ا درم ره ساه مرسكت اسرات مي عيدت اي مراويالي. منرت وأما كي كنت كى حكايت

موت ما كي بن عد الأحيرود يري كرك مرق مي المرين وال からいかんればなるいいかっからったんけんかん ي غامزت في إرد وت الدائد عديك وارفزيد برمان الدود على ال marchies so momon Novice Au Va whenther will every in the order has de proby رخوال بها شاكر ال و بعد الد مال عدة كرا والمان كالرف الديا

LLiture Gulfort LILOS padent

- Yange or the & con it with the starter Lot

buznev. B. Co. duly by could down and bush of or a back bake por some nde vin Christade industrial of eggs Longiage Macit of the William I throw Sind work when and a Cotto المراع عديدة المراجة المراجة المراجة والمراجة なき上いからではかんりいいいいのかいかしかしん ور ين بنا وادر و يد بريد ك راف ك در بديد ي

ورفيع عراك الديمان كالكرف والموارة والانتان والمارية

Limite Mange and de sight with

上十二日の一日日二十四日日 一十四日日二日日十二日日 كى خصوت ديد يواد يوال ديان كالكيات كوكي البيان ماليان بن ب احزت ابر براو والفرايا ، دورت في استدي كايان بالاب you to will old with fore of the your ELREICHELREICHENINGEREICH يهات ما كالما مدر والماقال عديد التي كما ما ديان

حفرت الوكر صداق ومخدالة تناث منه

させんしんかんのいとこんかん

موت دميريد فراف تعالى مز معزت المرصاق بنى الدُّ قال مز كم إسدي عديد الديرا وبالبدار لدبيت فان لاكر يدم والوسد المخدوا 1472 -300 خال فتم إي الميدون والميدات كريدان الدية وعرامت اح اليدان ادر الدار الدون الدوي عام والن ي ي غاد تال عاس ٧ مالكهماميد بدكوت يمكا احتاش

(باستان فروم كريد يد يك لوي بالمنظر المن خور بالعديد)

white out was a feet which are to be she do agree عدد بالأويان عرضه بوالدان سان بي بالكالويتان وموالي. ני של בו בור בול בול שוני שוני שוני שוני שוני של בול שוני שונים ול שונים ול שונים ול שונים ול שונים ול שונים ול

Lotrodavawolivervecherond - wife

حفرت حرفاروق رمني الأتعالي منه حغرت عمرقاءوق وثن المذقبا لي حذرت طرابيت سكدان كشت وصذه اسراد خرج

ي منرت ورضاف ت المعند خامك وتروده بالمعدل ك برنشين عد الرفيقين عن Sudant he seasmon stic when といくこといいいんとうできといらprodeと الكريرك تمانى مير باست الدنام في الدي م الناسيان كاميت عبواري بال fine a de Colone ple de molule un In will do man a do word it to Be which will Liverstagen حبب ابتدائع بعوث ورمخان شاق عدك اسلام قبل كينة كابالاست مزت

بر ل طيران م شامول من الله عيد مؤكوى ادر من كيلات ميرالم できるいとうともいいのできるいといいい حضرت عثمان رمن الأتمال منه

جى دن جا يول ف سزت فيان في رئيان الله منا كريان الا مامر مك

LUREL JULY BELLENWLONGLIN بقيامظ فيدس وقت آب في ظامل سه فرايا ، أن جست داخات وه - 50 - 564

دادى بادارة بيد مراف ساير كل شاى دران مورد م طياصلام كادر بواك ما قد دوره معزت مثان دان الد شال مدك بن الدادان طيال والفراف المدرائ وكرسام كا ادر باي كام كتاب 1.2.10 je とおといいいかりといいとれるといいい المالية بالمالية المالية المالية المالية المالية المالية مزيد فان والمدعديد المرعمال فك درندام

وشياد الشاري والمرك يال كالمرافظ قال مح بتبار بالدعيد الكالمن بالمذكان يدسين قرة اليين زمر والوكرالس بن على رض الأتنال من

فديل خصب ددركين لدخرق احتزال دنياهى عبيط فرحفرست حمن لبري

دارة الأملير خاصارت المرض ملير السنام كامذمث بي المذكماء السداين رسل إ أن كمة الكون ك شندك التي ير خدا ك سلاس الداس ك عت دوكت بدرت تام بن اخرى ال كن ك الندين وكر عداميد على بارى جادرات والمدى عار عدادراى كالفاض ورع المراس Scitta dichologo fiero de como التري من سان في س باء ل دو الله الله المار المار المار المرادة كامش وريثان احت بعادان سه الاستعامت مرح اخر مسكاب

ال كرا در من أن المكادفاه بدائ بدى د بنافي فرا في اهد بنا في كرات كالإداعة عالم كالإدال في أي يداية الم عاديد م المس ك ج الله تنال ف أب كو الم الموى منا (بالب وجانب كا مما فظ والمدالات

است مرسد دكان عديد الأشاك كالمنت مافقه واسان اي. مرتدم من طراسام غاى خلك جاب من تعا: صرم الى كر عول الماريان الديدات كران كر دريان كالمصاري مرى الديريد كروهن الأقال كالموث عاقة ويزواو いこくとといといわいいのからかっとうけんどいいいい الله ووجه المائة و كالله والمائل مرب عاد سام والمائلة سر وكرف الدّرب جراول الاب سياد فك رجرت الا حد بعد أور و فليد عالى دوان مكتل لاك يع بندل ك امتاري منى ادر دوان اقداد فات يرة در عال ك شرف ين جي العدادات بإلامًا ماوية الشال

عرادان المان والدف كالمفيت يرجك ال واحال والم قال كا معال الأصل مال أرياب الدوالدولادكاركاب أي الرياف المان المنا فرامن الرداد ما ادر جرے دوش ان کورمان وزم کا رمان بردال الت كالديد الدودات تواريكن الذقال عادن ك عادودات lote what of in pute out مزت الموس ميداديم ولا الكافركمة مي تويد ك عالم المد وماقا ا

المات كالمات المات المات المات كالمات كالمات المات الم - 二十十分はは上してからいけん

Do Enganto

المناور كالدار عدول وسائل والمداري مزت المحن فيراسيا في اليام المعام عد المدالك فت مادى كالم عرالد مدم فث بالمال عراده إ وأب العدية بالكاء

بعدون والتناوية استدواف فنال ابية بدول كما بيض على ويكار عيدة

امني الل عديد من ركمة اور و الله تلك ان ك يكي ل ما قاع عد الروه الله

العودومان مرائد ورفض مروس مرافض المرابع 40000602660 منية المرمين طيراسكام ففري اجيم مالا اصلادت البي باستقصاب. تراى دو بدم موسد بدان الا قال من ال سا مك المن الأفيال بيخ شيبان حاركا . مرضل مي ايخ مزاد الثرنيا ل مثيل . لا شار واسال شايكاه المرسلين

w. 1246

الماتمسين طياسك

12/21

سند الدي الدي ما المال المالية المالية المالية المالية المالية كال عداده برمايزين

وساق ندات کی مدار سنتی فر کے ناکا استدای دسول (یرد کا بودی میل محاكيات ابن دخل بيرات كاندست بي يش موت الهريك عم و ولادئ كدائما الل

اكميدون المبيطن منزت مام صين طيراسام كامندست في ما مزجرا اور كف نكا

حزت بهمسي عيداسكم فياس ادارشش كالريشان والماادر بالخان منيان اك معالم شرب فرواء مي معندت فواه جن كرمي عدائسي المنظاري ای مرد اتا می برب خوصل مقاع طاب ، اگر می ماندا ای خوا مقاری ب (التي التادير كراك استك مدور عاف عرف الى قاس على د كان ي وناوق فرورات كالجواز مكاست اودائ والوق كالكسك وورون كالذكون

صرت الم زين العاجرين طياسيم حزشانهمين طياسام بيضافى دحيل الدونية ل مسيت كراي خيد

からいかっこんではいいかいといいかいといういこいろんとん Little & Sound with the in a se fice or 一日とこのとかといんとうりはのか Jof 422 1210 21 8 Cook

أنها شفاديليا بهرائد إذا قرم بيما محاطرت بمن كاجراطرت حوث موتحاطياتها but wir HorLow Liery 18 50 com Link Butter Word or William 13. Whish of whole كمدة يدمي كما حقت وكمتب مرضا كالممت يرفكر بالات إدراس · 102/200000

المدسال شام بن مبالل بن وال والاستان والمرات عد كالسفال إدريت بشام ف عبد المك بن مرمان شاؤندا خاذ عد كوم متر تقادر الى alost Windsand a to the / to show وه خات كدين منول من الدم الما أمّا كري الودكولوس و سيكن ولأن سك يم يماك ما الدر ظالد المراج كوف ويد ما اى دوان حزت

المعرف الملدي معيدام على ال شان وظرت معد والتي جدا عك ال كا تعريدون رضارمة ادرأب لاما كالمواق البداغ والدعاى حب أب جرامود م و الدين كوال من نادوال دفت كر ومودين وي مدد كهاد family and english production dis

- x Since of weit from فقد مالى كى وقت برموسة وحار بارشى يخرير جي اور محنت كرم المري ويا がりなるとのではないかいけんりまり الإداري مع الروم في الدين إن المات المان المان المان المان المان المان التياذ وكالمال في المراحد ويف المال ووى ملاكم المراوين م الإسان لا (سيادت المات ادرات كادت ادر الدوابان جدايا وبسعب ك ادراى كيدات مراوار

الربير كاعد كاخل كيا بالمدتريب كمام جي، اكر الي دين سايط - こんりんといいいとしいんとりけん اس الكرسط بنام كاستدر خارناى وك امني بهاق ديكي اوان متعلی می وی کاملے اور کا کامی ہیں۔ ان کے فائلے والوں الد مقلسی موان in it is the office of the state of the said كابري ي كبران الدت لافق ديدا برمات المرفقاس دقت

منزلت حداثنانيت وقابسته بي مكم تشنيت أدئ وتخرجي بجا بإري موا والانكوا انقلاص فيسدا متقادم كركما ا الرافى كالدان كادكر مقع ب الرميان من النحاكا كاركاد إب عي النشي خرب مإنيَّا مول. وكن ساصليد عن كالروان مان كادران كرامان كا احداد الااحداد من فای کے کے اعدادان اس بھر برکان ہے اس سے بلدان الناشان الله يرميم فالعالنة ركا ادرمان كالمادي ميست د ويرب له والماؤنوان جرئے کس بنی د بچدا۔

بذكرول وظر كمراد ويذك مدان والاسد و فرووت والم وي العادي كا さいんじいいしゃくいいったりかんいんしょうもいい الى قدامنى سنة فريلا: منب كويان كرودل وس ك ليداك في الديد م تقيده مودل كيا. بديراد برامك بى عادادارى عاداران ايرسنة م وونكنس بصعب كشان قدم بلاداسك ماسط بريادر خاركمب ووم

كوكوكوم مان بي است داده باست الي من مناع تسي وسك بائے ہیں . برطفن اللہ عسام بندان میں سب سے زیادہ انتقل میسے اعراز ند (などのこのからしいなんないなりなりからなり ことはからからかりかかり الدورة يولنا لله إي ف إدالي الدام ول الريدي بعد ساشا

من بيامان طوي يرج في حدى مران كي تن الباس كالاه مي ميداشار م بنت رمول و كو الزمراك (رد كا (دند ب الرقية الف بر ال چاپ اُن قاق نے ساونے ہے جا۔ اللہ ان کی میں میں اُن سے انسان میں جاری ہے بری میں اکسان کو سے مکان ترجوانی ہیں۔ بابی انسی تو یاسے کہ میں اور کی کھی اور کے مدیسے کھی کا خلك ليدودنان ومل خامل الدطيروط كاجت جرون كي ايد عيديه بينام ادرباره برار درم صرت المراي اصادين كردايس ف الداعون

البامؤى الرقم بهدع وعدر كالمرادات فيلاداد استاب عد كدكم جرجيزا فالجلب مصافال كوكن كدون اكسه والمرسالي -colorationendow مدادا وين المن محارة أن كالمار كان كان كان كان والمامية وعاقسة بردم فيلك ليدادر المائدى كالمارك فيدام الملك مع مي موست ومزات كالبي جذي برة أز بي جلى ويدر تم كاستان ان معالي المراكز

سيبنألهام الوجعز محدبن طي بخسين بن طي بن الله تعالىمند ال کاده مندت تام نین کافندور سه زاده سه ان کافندت س وقت مك تران سفاك ون أب كوسفيدكران كالراود كيا ادر أب كركس وزليد المالي سبباك الاسكال يف توده مدارت كرف الكادر تمالت بالرك عزت

ان كدا تدى فردان كا جرال ب جركة منع و زاد بعدان كاميتال كا 4500000 وكون شاعون سديوياء وْلْتُورِ وَلِينَ اللِّيلُ مِينَ بِعَدِ المعاداة الأف والني شدك في إلا قالين قرف ال دېرود پوليدې دېد د کان سه د ښه د وي دونود د مراه

موكس موك كإب ادراس كا دفي كإب ؟ مۇنىنىدىكى دىرومىيە ئۇپداندۇچىنە دەنۇرىكە كامۇلگە دائىران كۆرسىكاد، ئۇسىگەر دىيەت ئىكى كارقىيىقادىلى يام يىڭ دائىران كىرى وملها الأعلى الشاهيد والم كادمات مصان كالشيت كال بصدان كم مامر

الدفر في تروي العوم با بوجید است شیخ مرزانگذاخی کوفانشدان مین میزانگ باحثی قروید و فرمها ما یک ان که دول و افزان در ادران کامین مام سد رو احدید اشا کفال درگ

مبدنات الكرير الدراما اداب ورود وظافت عددان مربات و اى دقت اوكي آواد مي مناب ساكست . 200 virthings اسه خدا آ اسه برید نگ به است اگلیسته اب اوشایس کانفرند وانشیادخ به بکایت راست براناست نگسی والدسریک ی مؤدنگویس بن بزدگی بعان كالمديرة يوم كان ي المكاكس بذبراتي بي خشت الماس سالة Sum Litte war a and place de Bine بذك فاخرواكم والمداع والدان عوى ولاياد كان المدان المدرين الأدف وبالندوي ويخذاه وبان والبحالة بالكداد غذوام بدح في اليان بلت دوكن المت الاقدار منى المت خادة كم إكان والمالي والمسائل المراس المالية والمالي والمالية والمالية

Diel Bragerie jano Esche Nogerund يعقدى وبها الكريمين بدر كركوم الأورم وكمنا تروشان كالأنهن of contract all circa de la line de se de cor الكراوم منويكا واسدم سعفا إصب مت وقراد ووزما بكراوا إبا of where it wise con in all yes con continue and はからかっているとのはないはんといるいっていいまうじょ ع كوت كوفت مناب عنوة مك الدماب كوفت مات معاونا. とうかんかんこうかんこんいをいこしかられるからし ا روم بداد مرسعان ال محدول السيام يوناكرية زاري ادارسية الكاري

اب فريل اسه دوست است مي المراسان الماس الماس المسائل الم ن زورات در المصر الكروال ما الدي الدوكلي معد بوكش ميد

(الله الذي المنظمة الرام من شاهمين عليانسام الدوكم شيدان كرالي إم white of the sold on the few of

مفرت المام جيفرصادق رمن الأرتبال منه اكب ون حزت داندهان عداندهيدات كاخدست مي مامزيد شادرون را اسدان دول على الدينية والرابي كالأنفيت والأي مدا مل مله والله ع

أب فيزال الد المعلى العزت والأوك كنيت الم قال في عهد كاملور والديورنشي مريكانيميت كأكران الزورت باني

عزت دوز عال "ف دريده وي كود است و د درم ل بالب كاسلى المقال نعنيت ماحل بسعاورات يرسب كونشيت فراناكا واحب سعد

حزت الم مبزماد قاف فرال اسدااسيان إي اس يصغروه وين كر からんかられるといくないないしょうしんこんび التاع مى العامنى كالدر سافر دانس يلى عد مثل بعد دوانسب وكالع

المي مالميناك مرون كم المستعقق بعد يرى الاعزة والدُ فالله المريد بسك الديك على المستخدا بين تمنى ا مرى برت كي ال سيد المرين كالعراقة والعرب المرين والمريد المريد

بران و الما ك المول عديد من الدستان الما الما المرام الما الم ليها قاطرون الله مثان منابع روين جب فاب خد مرافي ويشاق مي بال وال مرائق مع درك المناد ودائد قا ي مودوكات

الدون موسد المرمز مادن الميد عادمات ما وزين والحصائر

لا ويا الا تراب كم ي يدو ويدك كم إلى عدك أن برب م ي عدا . Silver characontagnic とうこころんんこうけんりんりんかいかいいと مة كريم لل الدُّ عليد على أو خد سارى الله كالمنان بيون على أكب غرفاؤي أبيغ اخال ستعرَّر نده ميل بريد قياست ابيض ميتري بعدارة . chariofferestatul

حنرت ادلس قرني رمن الله تنالاهند

آب دمل كريم النافة عليدول كرزا لة عيات تعمرى في تصدأ ب كروويزول ف دعار جال دومال على الأعلى والحريد درك دى الكيد أب كاعلة عال الما أور رمريات والدمان ما ومواري والأعد والمرا وي ماريد عوال الين الا ترن مي المدروطا عيم كانتا وت عامت كان قبل ويداعد منزى بواس كريون كريون كريوم والمت بنت يوداك ا مرحزة سارتها فر دارق يخاه والأمنال من الدمون على كم الله وحد كالمون ال مِرُ وَالِيرَ مِنْ اللهِ وَمِحْدَكُ . ووليت قد ولا سنهال المدوان ما شياك سفيانا

بشياري ووربيدوخرى كرون كي نقاوك با دِين است كاشتاب كا このからとこれらかけけられていんころとのたろ والراسانة على الشعليد والمرك وأساف كالبدوب مسينا عرفادي والمالات ال الرائون استدة الرائعة أم بالتدوي سامة كمركمة المالة ومؤن في المنطقة ip. Landoh Soushand week it as Wil فرهدق والأمان والمن والدر المراح كالم والارتفادا 109-05-05

ال كرب كي وكرما عند كروين معمون على قرق هم باسعي ويا فاعزن في تارك والديد والمالي من المالية والمالية والمالية Herridgen of Elle project (We) bulkere الاامان بدو درالا والتي المدورة و مداعة والديدة الى المدورة مني عدة أعرض شاقامند فري أمل ست مناطات جل Power place and winder & mile uls

アニップシングランとしないとりとりのかりのこと المرازق الاناداري للاست تلدخ برسة وصرت من كرم الله وجدادرة دوق احواف فيدوم ومن كيا العدأن كابيتيل يرمعنيات واليوكر وكاك هنال بوكرين خداس أنه عليد المركاسة Torrigo and Land British With the فرناد آب في قاد مخاو تكيت والأب راب المرار قامت الزوكسيت الي وإن ايداد ويراد خدب بركا وكمام ويوكا اب من قامت كارام تدبك في العالم

· uninproper بب (ن کے مبتدوں کو باسوم ماکدون عمراد تبت مال موتدان Mountain of in a support proposition of the

حعرت برم بن حیان" جند معابرام که میسدن بینند که فرنده می قبا رکید. ن حزت دامی

ا من من مين شده جدات شد كند يك بهان بيان مير ويون . وين المرادس عرف بهان با طويس من مين المارش الموادش المدادش المداد

شاوسند نه داده (ای) * داشته برای ۱۷ مندوش پسید برشن کمان کایت ۷ میل شد ۷: در کافته

همبر کی تشمین موزیه من بعری در: اند ملایک طاحت می انک دیا آل حامز مها ادراستهار مرکزی تشویری

کار میری گی شده بی د. حفرت مزاید قاد در این اطریق در آنا با میری در شری بی کسید کرده ادر صعیبت بن میری جاسط اید در در قاد کرم می حروث بید اند خان خاندی از میرم کرد جاسط می چودی ساختی چلف سے ان واقا سبت به شین وکسید به میگار

موسیرون ما دوند بازی برا مرا کانده کا آن دو بودن مده در با براه مده این برکر به در ای اگر کوف به بده در برا دید در با براه در این برا در برای در این در برای در برای برای به در مین در برد برای در این در این برای در برای در

درگاه کا به در تصویر برد که ایک در عادی تاکاری که با برد سازی بازی در می درگاه بازی در می در گرد بازی در می در در می در می می در بازی ایک در شده بازی در می در می در می در می در می در می در در می در می در می در می در می در در می در در در می در می

يه موادرا يناذ برفانس الدُّ تشائل كسيلهم وثربسشت مي مباست كانوبش

الرُولِفَتْ الِين في سد دئين اعلى مسية سيد الإ المسيب إكب ووز كوكور في يشيف تشاكر يكي من من عام وخدت بركرة فيا الحد بتكسيف كرو

آئیدنے والی شاکواڈا ایسا طال ہے جس لی وام چاہئی ہے۔ اوفواڈ کواڈکر نا ایسا وام ہے جس میں مثال پی انسی ہے۔ ای ہے دکرائی میں کھا شہ

متیه به حفرت بسریا" کهید در زمزت حبیب ایمن"کی خالفا و کا طرت گردید. امنی دیجیزی حفرت میب ایمن نے انامت روز مرکز دی حب من امیری اتالیّا

میں افوابد نے قرآب ناوچھ دیسے تھے رسیدنا حقرت ہو رہائے ان کی اس بنے امتدار کی کو آزاز کروک کا حدث میں حربی ان کی زبان سے میں طور پر ارامائش میروپی تھی ۔ ماست کومیس کمسٹری اس میں امیری کو فراب میں وجا راہی برا اور احتراب

· かというできないなからいっているしていしいという

المشاه غديد بالرجب المحاكة الدين مازيد في الماك فيد كا

ك على عين يمام وج الدود كون والم يدي ي طال وجر

-126

حلى وطال

الدوار فري فالت

تستينا مبيباهجي رمة الدطبه

الدقال عرواك مداا ترواساكى بريب

りではいいいんいはらかがればりれていかって

ولا برسد ارسی این برسیدی. مهیدی ارسیدی که کاردان کارد برای این است اکن سازی کار مهیدی سازی حدادان کیارید در برج سدند اساله کلی یک واکد مهم ماهی ماهی این می کاردان یک کارون برسیدی سازی برسیدی. در کاردان می سازی می کاردان یک کارون برسیدی سازی سازی برسیدی.

سماجرة الجرست بهرتساندراوا: استعبيد المحاكم الراقعات في استعباد المحاكم المحاكم المحاكم المواقع المحاكم المحا

بن زادُ عالى م دون كورُماكدي.

سينا للك بن ديثارٌ

عام ف ادبيا برغدان كم داد مى فام ت الله كا وبركا ابداد اس وي والدائد والدائب الك جامعة على المرودي على من الله بيدا in har businessor 2 and There is it

(上がんん) こりり الى وقت الحف ادر من بعرية كالمندت مي ماعز يوكري أوبرك اعداية عال

and per de la se de la ser الم ول اور الرساء على من ويارا وعلى كي وساد قام والد الرسال الد جي برنظة اكب في اكن كل طوت جرو اكتابا الحق وقت وما عن حتى تحيال الثين and the site of the strange of the مان ادد عركود مداى كم بدائي في سى قدم الركالا اد

出れたいまれせらい

فضرت صبيب إن المكرة حزت ميب بنام كالجراديات تقادد فاست كاندت بيت تقدا الا

الإط تاكرين من المساول بال أرة ي كرك وفد المات كالون عام الدجاة كادكت بول مورة فادعى مشول عيداد المد عير والكال كرون ك ر کم ان کرد پلسے ۔ مل میں شال آیا کی ہیں شان کی ویاست کی جائے ہیں ان کے مال とうとはこれをおといいいとのからいんとれたれる

Souls مرف سيب المرافع إليار بياك كام عدك ير. ي عاد آب كالمات ك عالم يد

ين خدير ون كيا. بايخ اجير بيكوات كالجوان كساته مواخت ديكتابي والمنظ مع المراب كرياب كالدقال كالمعاملة ب

وكدارات وكالكريلا بالرجرك بهارة وارتر عاى وقت ووالد الدائد الدائد الدائم كالمع والدولالولاكو. - HUNGERIL JURGEL

﴿ الله عَ بِينَ الله والله الله الله الله الله عليه الدر ا بي الرومين عداديم كافع الريد والله التي يكن يقر في الك إن دار ماوكر وى ميان وم وارت ما ما ما الله ميدول ك ورجيك دف

بكري مستورسته عام اللاطبية طركانزال لجدارين أواخ فيمر محير شداه دعة ين ود م كوكر عشوراكوم والدوط والموسط عليداستام سع المنتق إي . يى ئەم دىكا كىلانىت دائى -الب ف زيارا بيندن كاون كالمفرى الديث كروام ك مكر من ماد كالم

المدين وياد العرب مع المراكم كريد والمتن على في المقامين الم

البوحازم المدنى رحة الأعليه عرون حال بيان كرت من كماك مد فد والل فياك عدايا 144816

أب في المرامل شاك منااد وكل عديد فارى بعد 1 to inin step in a wind oliche 2 Joly Six A المكارك زاكا كرمدارمها في متروى ويرعبدالدن ويتان فيرساد بساوي شاور والماس وقت يريدني في كوم في الشاعيد والأوفال من ويكاب الدمين ال 1/60/250/0/01/210/21/21/21/21/21/21

دالى كا باك ابن ميزور سه بدادان كانبات ن كامناعت مي.

عبر عدد المال الكانوت

ستيناامام عمالومنينة というかんれいらぎこんれとアクノこのかられていること الم عد الرائد المراجعة على المراد عد المراد المراد

Kull Send promise of work on the court would coposion bulline contract المراك الروالات العندار والا ترومل الأعلاف طروال طرادة المست كاستان بالاستدارة والمالية المالية المالية المالية

Librassica ود بری دی رسازی م ادارهٔ طب والم کوال میں و یکنا، صوری کی نے فراقی : اعتباشيذ إنسي مركاشت لذه كرن كسيك لذه كاللبست فرالطافين كا

مشدب كيك نازي الإصر المفرضية تمام كالحريث براتفام كاكر المراوسية اسفان الدى اسبري كام إدر شري ميد سيكس الكيسكم قامي بادي بالدل مدور مر ما و الدام الرا الرادان وراي الل الما للذير بإدول مبادك بور بارف تصائد الم اوسند في ذا و من الرساي الراس からしんじりゅうれんとしいけいんんひとん Rushinest time incincinstally 2000

مسري كمام فامكود لالمذبي منيان مياك ما في أور شرق قامل بي ما في. بالإستان الى سال كالديك عن ير كس كف كل مك ما ياد دوالمرا ان كسكن كا وجرح الخاكر ومول كرام الله الشرطيرة الم كالرشاء بست كرجت قاحق عالى دو بير عرى ك دى كال. كان خات المان الدى الاي التي الدي الايكوا

صرات فلفت دراري كل الليف المراوصد عالات كالان والمان الممالومنيند في والما المراجي قواليا فتن مون جو لا يمن تكران سك Lurion kercul pure ours أجزيك يكونت فل عق من كما الل يعلم وكاب ادرات نام خان دا دسه در کري.

الم الوصيف ترجاب ولي سياس وتت مضيب كدلائ مايران مراي المري المنسب كالنبس الرياب قداش يداس قال من ما الد الرورا بدن وي عرد كوسوان كان من من بالباسية . و نداى حون بديك Ver Liverstow dol Cotonititis is ale المافا مرز كاديب مني ويادام الومنداس فرعاب مناس مناس ماسول يالاساب يركذ الال عدد فيدا في مورك المارا من سف تليذ مندر كا

سيمنس إتراكا مال بصادر ترسدالي دمال يحدي ملرد شاكاء مرا والانب اس إبر الماد الا ك عد تليذم فورش ك

ك ون مرَّم مِ الدركة نكاء بيمت بيسي عام إسية. امنوں فے دولا مراسادی مزان کادی موں ادرموا دما خ محکومت いんしいんんしゃ ニーランクロレングはん ورجاد مول ما موجود بالخدة كالا المدور والكار والى المستالا

المعنيذ شدامني عيدة وبالدرم ممنيان ستعات ملك . مقاله مالومنيذه ولمق بي كرمب وفل بن ميان رمدان طيكا تقال ماأو ي الماسي وكاريات والماء المام والعاساك المراس ي يات وملاط على الدعد وطرك الماكد أت والماكر المراك ي

رائي المراجي المراجعة بروانافاد مروسديل عي ادر مندت راك يها ياد حدرك رے بیاد ان کے اور وال کہ کیا جب و کل نے کے دیکا و دوم ی ورت الداروم كالي من عاكم الحدال ويل احداد الماس مور الادارة الما عامازت بناجل عنور له افره الشت ملك عدامازت موت (الله فالخ من نے میان واس سے کوی نے بادر کو است احرال با میان الك إلى ي ع كوكم ويها من ف درات كيا أ و وى ومور على الله مرو المحامل باشدي الكري التي في المراب والمسترا ابراس خيل

راروم الداخل المصور مك المراب المداري الداري الداخل من المداري العرب الماكن المراكم المراكز والمراكز المراكز المراكز

اب برمري الكوان كاستره كريول كالتن يرمري الكوش. منرے بھادی ماد دادی معدد الله عدرات می الري ف فاراح الله المدوم كافاب مي ديجا بيفون كيا إرسل الله الدامل والمرات المست مي

اب فرالما الوصيد ك عدد عالى. معزبت دانا محني بمق دعة الأعليد وباسقه في كرمي مكسستهم مي سيدة الجامِين بنالله فالحاصة والكاسمية في المساحة عاكم المساحة والمساحة وكالم

ر در بدروی بعد برن افتات مدول می مند برادراب ب 1 install Linkwinger on and اسما عي ميد ويون ها ريد الدين ي منظان جواد فان ع يرك إلى مالت ادرول كا يرث في سوم بي ادرواي بيتروس اللم بي ج

فاصطبها كري لين لام المستندال! حدث وافد خان دمی افزایش نے سیام حاصل کونااور ایک جان نے امیں ایا دیا تھیم کریا آلک ون مسترتانا م افزار سند دی انڈ میرک وزیت ہے ہاں۔ مدر الحدد دمیک م شافيرون ك أبدجن وابئ كراب كاكدن لام مام نے دایا۔ اب آ اپنے م روی دائدم کرد کر و بنر ص کے حراب

-consucues

حزت مبالة بن البائك مودى رحة الدُّعليرى ابتان وتركا ما تعبير أب اكب بادى م عاشق برك ادر كب رات أكب مستون ك وريان س النظ for Exerte Libroll- Con in Love do Porpore it suportion hart. But ف فرك المان مى أوكان كار بدعناى المان بص كن مب ون كالما كال سل ا احال مارده عامات المناكس ك فارد ورا وسع الدي المالان

ك يد الزائد الماد المدات ك ك ك. اسعيل كريط الجدائي مؤم كالابليث أن كا قام الت من البعد الن ك المران وكور الدوى الداس وورك كاوود كا مدال من الداكمة 二十八日のVanoryのアメニーのしまるこのはおかかり الاستعالب فيرك ادرام كالمقيل ارميقي ميافل برعك مورث فدر دود الای انتاد کا کرائے کے دن این والدو ک ان می سال آروس والی はいれかめを二月の人では上ではなりのはいい اس ك نيدوه مقام مود عد الدي اك كروسد إلى كم مرشدول كا محبت يده كالمرمي السادم دري على وال عد والتوليف لم الد متق كونت الشاركان وكراب السينعاديا.

「一くろうアーウーナンロインー أت غذالم مي سفاك الب أو كاجون الم مرمدون على الم الدخون منا عروم الم من من عام عادا مداك دالك النوراه بعدة الرياع وإدالة إعدادة قاس كارا وي سومون يدفون دوه جرواك ميدا عدين ما تالدوي يوانا بوي الدقوات كالراو

- richalor حزف مبالڈین البائک بڑاتے ہیں کی نے اس نعیت کوکرہ میں اندہ الا ادراس مصين المائز اخلاس مصاررا.

حفرت ففيل بن مياض

معرت مستية العلى نعيل بن ما من دعة القد طيه فتراج بست بذيك إصال ک چٹا ہی رقوعے مطاح اداد دمیزن تے کئی ان کی فیصت مرونت امیان کا فریدا کوری تی جمانا لاس کا فریت برق آداس کے فریب کے مزیات دیا الركيرى القراء المام بالمان داية اورده مرتفى كم الكرداي

یں کہ اور کی سے اداری بادون اوقی کو حدادی اور ان اصطفاعت کے اس اور ان استعادات کے اس اور ان اور استعادات کے اس کے ایس کو ان دروان کے استعادات کا استعادات کی اداری کو ان کا استعادات کے استعادات کی استعادات کے استعادات کی ا میں استعادات کی خواصل کو استعادات کی استعادات کی استعادات کے استعادات کی استعادات کے استعادات ک

در ان دواند والناس المناس في ان في المناس المناس في المناس المناس في المناس المناس في المناس المناس في المناس ا في المناس ا ولا مناس المناس مناس المناس الم

استه خوان ای مواهندسان نوع به کم کاده وزاک وارات کاداری برای کارگیر به داکا میدان حرشه خوان به موان ای چه رخ انج میرادری داشد فرایز موسطه خیار کرداری میراند کار در ای داشته بیشته افزان نیسان به کارگافت میراند که در میراندی می در در کارد میراند می دادند این این میراند که این میراند که در میراندی این میراندی میران

حورت فغن برای قرائد جاید واری کی امراه نیمان مسکل موالاد. می مدند براید می کارسمان از آنان مراکز دران این عدید از کارمون انده عدید از کارمون انده عدید از کارمون این می محرورت فغیر درمون کارش و نزاید درمون انداز برای این می مواد در این می مواد می داد می در این می مواد می در این در این می در این در این در این می در این می در این می در این در در این در

قريقة الميان براقال القريبات عين بيط الجيانية للموافق الله يبعث بيان الميان الموافق الله يبعث بيان الميان المو عند الميان الموافق الميان موافق الميان الميان

وللمرقامي فاست وطوندك كسما كدن وكا

ى حالت يىدىل كان كرت بر حالك الاحت الى يروث بخاطرت بى

La Meithenlice of po to the start in 111

است دشیدے قدم المدر کا وب خفیل کے اعتراب کے اخران صاب مسا

المن المساولات المساولات المن المساولات المسا

الرواعت عند و مودان کال حیال آنامه منا اموان منا که از مان کان از این که این می کند و این که این که

اس کے لید خورت منسق دیمذال طبیر کے مرابی است امرا اوشن باالیا ندم

- 2/1/1/14 ے سنت بن إلدن رشيديوث بوث كردد ف مكا ادر كيده يرجي بي ادر

إدن رفيدا نوبات بالماكة. وعدى إدون دستير في عراس سنى بدرس واراد الدوان صرت نفيل بن بن الدريداس عفرت ك دايل سدع النبي دنيا اورد نا دالدا يهامل من مناهد اس كافرانساق ان كالله مي مقرب ودونا داول وناك في ف

مستيناه بالعيل فالون موي من كاحفرت و بزرگا كريخت عالى يم تصرف

مي المي الين الله و رحى عوال كي مال د جال سي أشا موق اور بال ك دراى كروسال كروت كرك الني الني الني يوان در كارجي دات الخدافة عدمات وفافا الدمات موك نشر إلى لقرف مندرسته عالم مل الدهيم كالاب مي شاست كادماك في وزاي مفاكادرت در ميرب وناسعاته

بدائ كيفر مقر كسيك أياس. جيمان خادان مرى كان بينا جاريا حاد وألى خادك بينان ير

نياندًا كورب جالدًى عبت عي مرادرشدم!

ميد معرك عرام ف الكاجالة وكنص براشا إ أو مذاك تام بدون ف بن جرور بدال سے يز طاكر جازه برمان كردها عرام ف برمقر و كا او فرود اكب ون موت دفا كون موي مندساتين كسالة وسائد في ماكن ير واست تصاس وقت وسنر كمان كشيل كامتابل مورة تفا معران كاستر فاكر دوكشتيل جراسوار جوف ادرحب كوفى ودمرى كفق قريب آق قراس عي سوار وك المن بلاك الشي كرت اوروب الدوق بالفري التي كذ التي مورة والتلاصي كالمتح كالريدان اهاى مي مواليات بالدائل عالم

المدول لديكام كالأصوت والمنان موى ك شاكراد المعادي إي ال のうというというにとうんじょんできしいいいかんと معزت درانون معرى كور يركف الد إخدا شاكر دماك ، إ الله إسرافرن

والمال المرابع المرابع المرابع الرابع المرابع م شاکرده در مند بردگاشی قرمیرت نده برگذانده ب دیکش اندرز اده قریب

ا فالدال كا طوي معزت دوائل معري وجي وسل استاردو ف في اعرا غائن وتت ماز دهزو قد ويداد ان برك. معزيت فالمن معرى الكيدرتديدة المشى عامرتزفيذا البلا في

العزى نے ديد سے الك الن كرة تے بوت و كالدول مي سوجاس سے كول عيا طبيت وبب ويخلق فريب آيا تؤوه عكى مهلاكم والحاكيب فرصياحتى عصايين كمافته بالماريش المئياس فياجامنا

معزت (داخت معري أشام بياركان سنعاري م ائن نعماب ديا- فداك فرت ع.

حفرت دفيالون معرى الك إس كيد ويلد تعام المؤل فياس برساكوديا چا کی جمعیت در سے ان کے جرب وقا نو مارکا۔ اے درائوں اوک جربی کا بعد روزی اوالا ہے جی ضاک ہے

حنرت ابراتهم بن اديم

حزت اواسمان ادايم ن اديران كسرت مك ون تحاد كم كماد الاستداري والماد ورون والماكيد عدام الماكية

اے اوا بھی آنہا س ماہ کے ہوا کے گئے ہم یا تھیں اس کا تھم واکیاہے مركدند وورج كي ما واحتيار كولي اور صوت دفنيل بن عيامن " معنية مدنيان أون ك

2000のからか مون ابا بروم ولت يرك يدكر جلي قا لاك ونت خ

اسعاماير إقربائ وكريكات امتام يدجان ذاحاه كم بزمورك

Libert of more contrator of the تعضيي ساروي ديل ومشارك ماس كي في المني ميد الفا _ مب سے تال کرمیک والد حدک کر مرس برماد سورکت تالاط كماناكاه مي مادسال كم على من را الدمرونت الدُّنَّان الرَّمِسْت كالدين حفافزة كمر إراى وودان فعز هيا اسلام سعادكات بها ادر احدادات محيدا وال

حزت بشرين الحارث بن العافي المتب ين اليدن نظر كمالت مي الر

عد تك . دا مدي احي كيد الله الأولا الماحي والمرادة الورها اكتن في الت العول من والبال وكيام الدُّ تَعَالَى ف أن من الله العابر الأكفريدة ام كالم المعادكا فيدا بالات كالمريث مرا الم كان الما ويد مرا موال الله بالكرار الما المراد الما المرام ولر المداحت مل معزت بفر ف اى دات البرى ادر ديد ك ويد رسزى はいいんかんけいことからないでいたんかれん いかい、ことりはいいついかいはんといれるはいい

からしょうしゃいこんりんりんんりょうりん としていいといういいんかんしん

حزت الإندنسيد بنصابها والانقادة بسباب بمايل وتدكد كموملز ما قرمت مال كديفراكا ادول م الأن كاكر من قرع مر في الديت ا وينفرص مصري وتبعائز بما أوعار كعبركاحي وكطالدماس كمبركابي وكينا. ی نے قبال کو کر ایسی مشقت وحدے ورد بران جب میرود ورام برا آمون ماس فارك كي المرافر ذاك المردث فيب آود ألاكرا سد إيزيد إلى في ب كنه خدا درساد ساد كود كما و و كفرك ديم الدب وساد سامكو د

order the Still Entrated & داند انها داد سه او در کادرای ای ای کار دیا سال در کادرای حزيت الإعبان وادَّد ابن نفرظانُ رحدَ الشُّرطيدُ إلا برسَّا تُحَّ أورا لمات الجاهَرُ میں ہے اپنے زار میں ہے تقرقے ۔ انام اعم اوسنیڈ اٹ کے ڈاک دادر صرب طنیق

بن عيان الدعزت ابابر أوم الكم معرات وينت بي موت ميسدا وا كرية الدانفين ادر مراه ومزالت عبد نازي ماسيم ود こういんりょんではいりいいはんいののとかいん مع المال عاد المال معلى من المال بعث المال المراكم الم

كراب ويوات إراد دور عار وراب من كف دي. والمف في وجروب كرا في المورية ويا وي الموث الدوافت وساكم عرر شعاب اوراس كاعفرون ك ورّ سادروناكي ذلت كامريب ادراد إي

ف الدو طبيعاد رسكن و سدكر المع يراما ب اور است الم وزت و مؤالت كاوز يد باك

いいいこのいかのおよのこと

الإمثا أنك شاه صرف مري مقل صرب مبديناه ي ومشالط طب مامن في دوليذادك إزاري كوا وزون كرت في جب البنادك إزاري ال للسائل أو ولك سفراعيش برخروى كوات كى وكان مي اللي كان بيت ريسى كاعفول ب क्रिकार के के कि मान कि कि कि कि कि कि कि कि कि कि

مل کراس ک اس ایس کی تام کی و مانی علی علی جب صورت مری سال کے ولان أحدث ميدا وم كي تناسب ختراس التيرار وما الدهيمة وكالما فياللا ولكن خدور عدان كابدان مار كريد مي صاف كالق مول س in a seculosof is not to day

درال المان الني ويا و المعترون كروا ما تي العزيد وها وي الله تنافي ع فيك أنيَّة وس عب سدم علا لله ساء يد وكاشخاب عد ونبادى مانت

مرادم گاادای سے خات اے کا کے شام وع کردعا۔

صرت أوعى شتية بنا واحماده كالكيب الدائخ في تصاحر وإن ديدت Mis Sicher Com 18 Eillen Sirie ى ئى ئىن ئىن ئىداد دوشى ئارات دائل ئىلى كى كى كى يىن مىن تى

وتعرسون وَعَلَى بياد وَوَقَى مَاد إب استفكا سِلْكُ كَا مُعِنْ لِي Sister a de per on a lay to or pursue You كال ولي الى دات من المن المن الما السامة والما الما من الما الماك & Suciliaria Sunda Succession د کے این منزے طبیق فی اسی وقت وزادی شفرایس سے جانب مورمادین امتدى ادركى دورى الكروش دركادر ميد يدك دب جياس مام ا شار مدادرم كوي فيالي الاستواليد

صرف احدب اليانول ومدالدُ طيه ف أكب مات تشافي مازيس الد ض اس مي بدندامت و واد ماس با س الا تذكروا عفول ف دوميد دو

مرت الميان كيد اخل في المادات على أداك كرد بسائل مك ترب دل ي والان الخيال مود دب كرخوت من تري عالمت ادر موق ب الدكام على أدر مالك والل مالق مي كو وق منى بركام ين كار بده الثان ال عدور كالدي ما و كام و من من الماكل ما من الموكل المبعد مرواى دعام اسد ويك بس فائل مي دياد كالاستار المامة ب من مال مارت الألاب ين اسبياز من اراية متعود متاكم ما نسخا ودخرت تغزا شاسك

ادتاد اوليامالا ابرار حزت اومدان گراهاوش شاخ دمزان طبی ارتدان کندرگرا عدة وي ما من مك يدك بال والمقديد ما عدد المعالمة لله

هيدو كراف ب ركيا ادرون كيا وإدمان الله احندى لك دوايت الماكسي ب كردين يراف تال ك اقاد دادياد اساباري خفرسفونها اس دادی نے میری مرحث توک میں بنیال ہے . ىدون يادول الدائد الرقة ان من المراقة

ومل الدُّم ل الله عليه والم ف والأل المرين الديس ان ونست كيسي."

حعزت الومحرين منبل وتعة الدُّعثير ورن ، فقرَّ فأ الدحديث مَرَى الخوالدُّ ط والمرك ما تذبرك مي النوس ويدوب لبناه في معتر لا الليروشط جا أوه ك ك كومنوت من "كوائن الايت وين بايد كرده ولأن كومنوق كن يرجور برمايل المعادية المرادع المرادة المتراوية to dorlogustelle specion in Local امن عرار و ما الا در الماس معان أب الدوي كوال و المراح ووان القبنعيدة على في القطام ما الدائب كالديد كوالمعط كالمن في بيك بدعائت ويكن لكب كومرود المين كشدن كالافن ے آپ اور مال مال اور اور است من اکس اور سے آپ سے درا فت کا این قع کے بارے چیا کہ بالان خوال ہے میں ہے کہ کا وائٹ است. امین سفودی ہے کا کار کا تیمان احتمادی اور است شاکا مادا میں اس کا کا کا پر واٹسے اسسے میکا دوسافات کی جانا کی بران اور ووٹ کی جی ایونامش اسٹ واٹی برنے ہے قبارت کے مذافات کے افزاد مشاکر ادرائات

را فی محص محصور العمیر معرت او مانده احد من خفر در برای رحمة الشدند. طاحت کامدش ایسند کرت

يده الأحداث على الله الكان الأخراث الإلاث المتاسعة المتأمل المثال المداولية في المتأمل المتأم

کرونے کے اس علاج ایران فیرے انسی سوم میا بایت کرتم ایزیت برکمان بر اور خاک ایران فیر کورن است کس میراند ایرون اولان کی برای میران میری فرید ایران فیران کی در اوران کی برای میران است مسئل ہے - تاکار میری ایچر کی ساتھ بوشش کے بیش آف می رال کھر کرار

کے وہ میں میں قریبے اپنی فرائیل سے دام دارا کائی میں اور ان صفاطی لید - انگر حذرت بالچد سکساتھ جیسٹر ان شرق کو ان وی برانا کھسکساکھیں درایا ہے۔ انسان میں انسان کی میں کا خوات میں کسسا کو در کھا اور دلالے شرف نے اختراب میں مشرفی کو ان کافیات ہے۔ انگر ساتھ کا اسے ان جدا ہے کھسکے ساتھ سے اخرارا اداس کا موسک

ار دیگران و آرجه فردن بر بسیدگران آنها و بازگران بازی این استان بازی این میداد این استان به این استان به این می که در در بیدان به در این می این بازی استان به این به در استان به این استان به این استان به این استان به این ا در این امان به در این به در استان به در این به این به در استان به این این به در استان ب

در فرق کار فرف کارکسیده تین نجوان ا حدوثی شداخ نون کاشیل اسکارشد شدا کردی ادر کار مورس این کار مواجدت جهارت میرد کدارید جبرت که کورکسیده رسید که این مورس ایس و مازی شاکی مورس این مورس ایس در وی دارد این مورس شاکی

اند مودند چال مودند چسند شده از که زیددنو تا مودند شده به هاری م می ایند شده می مودند شده می این موسک هم این می این برخدان این میدود می مودند می مودند می مودند به میرود با بازی می این به می کند که چه فتادند صدا با نوع می شده این می مودند که می مودند میمان از میکامی کند و افزان میان این این می مودند شده می مودند کند می مودند میرود این میرود کند و افزان می این این این می مودند کند می مودند کند می مودند کند می مودند کند که میرود کند می

حور الطبق فرون ما لوظان فرون المراكب پراگدر دوران فید استان می کند اکان بر موان که این موان که استان می استان فیران که برای می استان می اکند از این این که این موان که استان می استان از این استان می استان می استان می استا به در این می استان می که این می استان می

المناسعة الأولية المنافقية التواقعة المنافقة الدي المنافقة المناف

اسب المثانية إنقائه الشابية العركية كان بردائد . حمزت بنية الفادى وو الأعديد والشارية المثانية والأنظام المباركة المدانية المبادة المواضع المدانية إليها . كماكن مراكة النجازية إلى المادي المباركة المسابقة المس

کا درج موسده و برج شاید شد. موجزت مرده امنواک از مثل می مردان شد منرت میذ نها دی و مشارک او ست موان که کا ست چنج میموان این باشد یک میرد مهدت بدارسدد (کا کرکور) و دامند امندسیدی میموان شده کسال و کا ادود کا و

میدکارسید بند می در در بی می استاد ناده کرد میداد و با در میداد با در کارسید عبد راید و قالب فی در امادان او انداز و ایرای در ایران به در ایران میداد به در کارد میداد و ایران کارد و ایران میداد و سران برداید به باشد و آنسی به ای دند داد سد سرارای آن بن مفرد میزد: او برداد کار دراید بر دراید با ایداند ناد. این کهار مندر بازد ایدان بازد ایدان داد این دند مواند به بازد ایدان می افزاد ایدان میزد از داد داد ایدان بازد ایدان بازد ایدان میزد از این میزد که این میزد از این میزد کارای بازد ایدان میزد بازد و بازد ایدان میزد بازد ایدان میزد ایدان میزد و بازد ایدان میزد ایدا

را مدید این امار با جدید این امار داده امار داده این امار

ترامیش درگذا مریدگار داد که توجه این کارشند آنهایی سر سرح با ترامیش این این که در میرود کارش که در میرود این این که در میرود این در میرود این این که در میرود این در میرود ک میرود این این این که در میرود این این میرود این این میرود میرود این این میرود این میرود این میرود این میرود ای میرود این میرود این میرود این میرود میرود این میرود این میرود در در این میرود این

 ک دوم بردندان برگیاست ادر یکنی کاران داخید با ندید می دادند. بست در این با برای با بردند و این بردند و بردند ا بدر به سرم می از احراب می بردن است کاران شده می دادند. کشت بست از دادند و بردند بردند و بردند با بردند بردند و دادند و بردند و بردند با بردند بردند با بردند و بردند با بردادند و بردادند و بردادند با بردادند بردادند و بردادند با بردادند و بردادند با بردادند بردادند و بردادند با بردادند بردادند بردادند و بردادند با بردادند برد

موت جوازات کی تم جسسهای مراق میرسد السک موادی گرید و اسک موادی کا در در این موت السک موادی کا در در این می داد داخت دادند میری کامری واقعی مالات سند کها با طویت می ما موت دلیدی برواند و این داخت می دادند و این می مواد و این موت می مواد و این موت که می دادند و این موت می مواد و این در این که این مواد و این می شدند که می دادند و این موت در موت می موت

ب بدر الصفح المواد و المتاركة مي مساعدة في أو من الأخير والم المنسكة من المتاركة المتاركة والماركة المتاركة ال

در میبان او میان او میان اید استان می اطاعه او او دوست می اطاعه اداره استان که برای اداره استان که برای در مین رئید از برب دارای دخت پدام با برای جرب ده ادر پرب شاخت کار جرب که آنچه سال از ایران برای در از برای در ایران برای در میان کار برای در ایران که برای انگری تمین و تیمان کمین تمین از دارت سد میرند از ایران با در او داشت بین رئید کار در استان که برای انگری تمین و تیمان کمین تمین و تیمان کمی

ر سے مرسان ہیں اور میں سے ہیں ہا اگریٹ کی ایری اور میں جمہ کا کشف و کھٹے کا جل کی آئی " جرب کے کا " اسے جون اور میں آئی میں اساسے کو میں وکسف سے تعمیم کی جائے شہاں نے مراب واڈ اسے میڈ و انسان کی شاک نے اور میں خریفا کو میں موکان

ے اس موسک مشد کو دکار دیدہ ہے تھے۔ عرف عموق جیڈ دہائدی انتظامی سے انکسیسال کا اس کا موجاب المقدال میں جائیے جو استمال میں۔ الرصف کا معادل ہیں۔ اس میں طرف مذائد کے ذوائد کو انتقال میں جا جائیہ ہے تو آئیسنے کم رکھ لائے اندر مدر عبدی مائیس کو مؤرف میں مائلا کو میں ان جائیسے کہ آئیسنے کھر کھا تا اوران

حربت بوحش نے فتاہ فیان سے دلیا۔ وی نے کہ فوق رق کے ساتھ بیاں ہم اماری کوکس میں بری سنتا ہی او فیرید نظام فیلی کارمی بورٹ بیانادی ہے۔ مین کاروان کے معدد اورٹ منزل کے اورٹ کے ایس کاروان کے اورٹ کے ایس کاروان کے اورٹ کیا ہے۔ میں بادادان کے معدد انداز میں رئے لیارے ہدی ہے کہ کے اورٹ کے ایس کھارے

(مثان المشارية به برق) الدولية مورية الإمدادة الإدراك إن المال ووالأمور والدول كالدول المدار المدان الدول المدارك المدينة المواد المدارك المدارة المدارك المدارك المدارك المدارك المدارك المدارك المدارك ال

ر المستوان من المستوان المستو المستوان ا المستوان المستو

حونت میزاکند والی مودویی به رسیانش که کیوست و هجهای به ا چنه وارد ناده میرت بدندگی اگر و جهت سده یکی و مالیک به دارست ای بداری جدید باست که کیورست دارشی این این این کاست و ایر بداری

(ساده) . مجد مورت میذاد مدّم کر کومیسه (س) سه کزدیگذاذ این دهشد مرسد دانشد سه واژه یک وادول میکند به اماکس کردیس می سفداند اشارای حد

منافر ہے توان بالد (اور ایون بولید بارائی سے دور اگل ادفیق کی تو میکرمین براگرای گفت دوبارد کے حالی کا۔ حمرت اجامائی محمق میں میدانڈ الماس کے خید ہے ہے۔ تھے ادمیت عوال کا حرفر بلد ہے ، امون سے خید کے کہید شرفاع المول کے احق درمیت عوال کا حرفر بلد ہے ، امون سے خید کے کہید شرفاع المول کے

به از خود المؤل کست بداد ی به بندای گی توکوت با برا بر برای مودر این به در کی برای کارد. کست می به بدار کست کست و بود به حصار حدیث موزن کسک بس ایرا میدم موزن کی خود کسک جال برخی و ویدت شدند ایسا که بسال برخی کرد و موزند کان شده می کارد این جوکس بدار و حوزت بدند کشتر این بیشی ادرکان

البروت الأولان المواقع المراد الجديدة ما أولون موزيد يواقع الولون المواقع الم

ر این مستوانی کا با خود شد کرد بوست با با هداند را با این دانشود. مراکزی هم کا می داد که داد به می نود شرکزی کرد توان به والای بست در می کارد این می کارد با این می داد با در می در می کارد می داد در می داد می داد با در می د در می می داد می در می در می در می داد با در می داد با در می داد با در می در می

میشت دیست بره میزان نوده کاه به خداند نشاستگری برا راید در به این سد ند از این به به داد سده در است به در است برای است میزان به این به میزان به این میزان به این به در در به این این این این است که نود نود که در در این در سد نر با در سد نر با در این است نشر با در این است نشر با در این این میزان در این این میزان در این این در در این در در این در در در این در این در این در این در در در در این در این در این در این در این در در این در در

مردان ندا

حمزیت در به طوان کا دو اند طه پرام ای این در شدنی ادر به بدود استان مصد شده ایران این کسید می شدن می کام به این این دادنداند می کسد شدنی ایران می در در برای ایران از موریک میشون و در به شدن میشود میشید می کام با برای می ایران که ایران که ایران می دی آم میزید ایران ایران برای می دادند ایران میشد ایران شده ایران که ایران انداز ایران انداز ایران انداز ایران انداز ایران انداز ایران برای ایران ایران میشد ایران شده ایران شده ایران انداز ایران ای

کی برقد رست منتون مان سے پیش بسید دی سے دیا وہ منت سے اسد کار افزان کا میں کارساز است کا کر سے ہدائے میں اس موالی سے باز وائزان کا میں کارساز اس اس کارساز دیا میں کارساز شدا مریک سے است حزت عمر مدکن برقاری است کارساز شدہ مدان میں بازواند شدا مریک سات مورساز بازگر کی ساوی دوالا طبر بازوان است برای کورساز کی تروازات

المسابق المسا

حشاقا که چیزان چیزانجال و چیدخدانی آن به ناه بیان کردا بعث زیرانی ترقان میرون هید خود اصوبه ندی بی است به می منطق خود با از این این به است به است به است که است به است به

ے کردہ کا قد وقت ایں اور میں انہا صال کا م کرد وں ، احتوں نے بڑی شخصت مست میرا مال شالد است مرس مي الافرد لدجال كالله و العالم و الادا ي الادا ي الادا ي endire fourth be sunt a beard الايدير ماد عدا قال ورائدك الإراكيدي عديد عدا مراد والله المعيد مرام بالوابث رمراكسه قادت الدين قادت طال كساخة

عرار مال الدين والا مال كالل عداق عداد موا ير المراه المال ك - lave sieged Lupanes and Little & يدس يس كادخدون بركي احمال سفيرا إلى دي الدوايا . أعد مزند النان كاس البيت عاس عدزة وونست منس بالكرمب

ے دیت کون ای قام کال کار میروی میدا سالان سامروا س برخیال تبرک را دید کردی . انداخن داخات ادراس کادم د و مدم دوانی خیال یی الله براد خال بدائه علم من مل ما است باستدار الداد ك بدالاستار

اسارا بدائد عام نور الدسه بون مده المان المان

باركاه الني كاقرب حزيته الإص المقنوس حدان دعة الشعبر كالإص سندجوه أسف بالأمثر بنج الشائخ

الزيدادسور الانشاط الارشاد بصاري المرافع الوالى الرب بذك كداه عد طالة فاوملز كالماست شاك فرت عاظم

Literali woodly 247 color احل سارى وقت قال لاست الدووران ساع جوش ثات التهداري الديراجة

فيا بدان كات ين إن محد منوب وبدا بكروا بقيلى دو كارسف ليدي りのしばんないれんといりとうころがんんでき

يدينون كالمرتضيت مهومول (بارسیامی) با می مثله م دفت برمان ادر کودن که آوای اکس برابر في كريها وكانت الارت كريد عرب مكر مثاود مز بوادر حيد مثا وه

ماسل برگ از ده قست مان تا بدیم واق بسته رو نیمواین دادت اختیار در کاو میادا خبیت きまりれていだいしたらい بغاشالي

اكب دروش وياسة وحري الركار دو تريامني وإنا مقالمي شفى سالكان

رے اِس ایکان کاتے ہے کہ کالد کا ۔ الرتها يرة مي كمي تمن كالجائل جوفعي شمال سك

درولي في عاليه واينين. المتن مذكل كياتم وقيم يا طبيعة بها ورين فقال والمين

اس في دواده إيا توسرط بيتك يرو وراش نے جاب وارس ارساع است وی عاما مول ماوباطال

البدعان أاوم والبنادي اسيضر شامنزت مهاجي الكاخاء سترس مامز بوسة

ورمامب مل الدمامب مان من مزن ماسئ كراى مكري شاه

إلك والآنا صَارِحِ مِن العِرْد البنادي في المدر قدم مكما عرف في إلك وينا الإدعاروي جي إداد عزه ليداد عام في في دارا موت عاجه الما

على عبر من الدخو تكال بارتزاد. و المريد على المال المريد والمد المال المال المال مدول في

مست مل كرسنال لارفاع من قدس يراك الداد عزه كوم الداء م مارك فناه سفراه مرافعهدا وأساع رودوسان برر مرويان غاوم كام وين إجراب ادم اس مفوص ادايا في كام ادر المدرات وسعاف ورواك الماس والمسادرة وكالمع بالاتماا معزت ما این مد دلا یک اس رکانا فک و تردد منس تقالور میدا سے

مثابه وديارس ادراس كادل وحديق مستوق ديجت جد لكين استعالية كيمان كرة إي من فرع على وك كرة إلى ادع اللك كالمنادر والانتاريد. فالدرياك بدق بالزيد ووزان المرتدولت كم وراي メングラウンといいといんしいひでしょいことかん からいいいかんかんないないかられんいなからいと

بالدواقادما والاوائب المروف في منت في كالا قلى كدي اسديني الربيعي فتيتنا ماسى يقالين وكرمياض اين قرم يكسطارتنا و طول الديكواه يي وي اليه وديون كا بران ؟

جوان مردكون ہے حنزت الإمالي بمدين فشادري الأطبير الارطاء ادرماوات فراتيت

losery a ship carondon year ينادي مزم كالديد بالمات والا ونا المالك عنى مقاس for a real der Britis war up Lylling very اسه (رع : بران مردی که بیده و

かいからりょうとりとしいしんかいかくといれてんかり . Scor i Kim Vac 一日のからればないというというというという

الدانيا مالاك ما يد من المال かれるいなんとこといいいいいいいかいかりとこれのいい

أَا روْالو الرَّارِ وَكُول من الدول في عند في جنوع بين . إنذا مريام والرَّ

والمراد المراد يوني الما يواد يون المراج المناس المراج الم 144/05/01 علايت بسع كوب صن إن مفريط في ابت خدِّ مال مي حروي علي وعة الدُّمليد عد عليده و مر مزر من البدادي وعدال مليك إس أسد قرام ل - 42-10/472

مند خادون كيا فرند كاميت يي د بيت ك يله . منزت میداد نے رہا کے والال کا میت در ارسی کو کو میت کے ا مت بابية عبدا أن عصمت كوك ألاب مرا بي مدال مرى داد الدطيراد عروس حان داد الدعيد كاساندها كار ص يرمنور خواب وليا يتخابون ادر والى النان كمات يرادرانان

of Augustalians Agento inval كاستات تابيوائي: مغرت مبنيشة نزفل استعفود إجرائ ادرد ميثن مماؤن كاست اس يل ر بدخون برق المعرم برب محداث الا على الدُّقال عدالة يكام الديامين النان كامنت ادراس كاستاب من كامت داخ بنياب ادراب ملورا

مِي سِلْ مَرْسِيدُ كُلُ مِن البِسْ لِمُؤْمِثُ لُورِيدُ مِنْ إِنِّي وَكِينَ إِنِي الْمِي

ومشوركا يت شيرك مي وشت عكام القبل مفعوديك الرام كاسا أووخن كااتمادكيا اددم إنكيدكما ويرت مينجا فيدنك ودبيط بوكيا أوحزت فدى احزشوانا ادر من مناوع و مركز فارك دارا فاورى له ما الله والا وقت خام اللوك كالرير وغايشون كاجام تسبت المراس الويني ال كوكل كالم وسعدي فال いとうしいからかんのかんしんかんとん しゃついとくらいしこといいっとのいろと

خليذ خد مقدم چن جدان ما ما الليل كاسفارات مراسى وقت سب كالمنظ الالك عموس ويا- طور كالدر تين ك إقد إذ عدارس سعط حزت وام وقول في كالماشال والدين ما ي عدى سد الشاد والم 1/2-16-17181800001上しむーといういいから استعلى مرواح كادالين منى كراست فميل كالماسة ادرقهاى كسلط

. Sivinger word ist مرت الان في المركة وكن مرافقة المر بري بعد ونا ين سب دوده اليديون فيهده ي البا يدر دول كم تداران ال Lister in les met water with in برادمال عربي عادي وناطوت كالكريد الداخت وب كارت مندات

. كىكى ماسل كى ماكتى بى نيية كوب اس معلى خريدني و د دان كالبيت ك زى ادر كام ك برك برابيام رشدده مراكرائي وتت قامد كرميماكر الاران كمساطرين الكناك المادقت تبينابش البامياس بنافل تقدندندان كماوال ليتنف المالا كان و ويوري من من الله عد مان كريم الله الله والمرار الاالمان والمالية الله الله الله الله الله الله

ت معرب العِنْ ن مؤلِي دمة الشعب ك مكارش مي سيط م امنوب البيال الماليي مي مال كمد جنون بريايي الدونفي امتاري كركس الشان كاساريكس و ولحاميان كاسكر مامنت وطنتت سعري يرقني اور تحوي كاو عظاير

عامر مي الرميت كى مما تعت بين بعد الدرات، عاج ال مروى إلى عي مستقت كى

ك بس سال ك ليدمون وطوت الازان بوالدارة الآل ف مزوار والدار مات الرول وكور الفول في المين ول مي خال كيا ورس في مب سے بط with a sto Very Sunde Land Gratery كالمدين في كالمدك العالم إلى المام وي المارية المارية والمارية دوسيان كاخرور كالم الكادران الراسال ي المان كوال متزيري تحالد دندكي وت كساان كمم ركيدها وجا あしんいといるいんいんはことがいかれる

المساوية عادى والمعارة والمراكب والمراكبة المروكي كما كما الدعير ما يركون أك الإخان رئية الدُّمَلِيد المعرفيل عبين في كما الدويوش ك أخشك كيااييًّ 一日からか عام مشافح كهم خدد لل راسيات كعاجد عام وفي ومروق كالتركز والراية

ب الديم على المال المال المال المال المركدي المال المناكة تراويها حنرت إيدبياى دو: الدُعليك كب كارتب ما مشاك الال تصلي الفكام موت كان ما والاطر فالك مؤكس وكال موات كالر best hairs a baine will of wantiet

موت إيدبسال مناشطي عجاب كسا. beredure we hot office the org. فوين في اديدان سيري خلة ادري كاس كاي باس ديك را عددال مع مار مرسال ما دروان طرع مرس كر فرك بداد

ובן נענים באל ביולטונים בעל בעל ביולים ביו ب جاكية تلود كالى فاخت در كادرما ف برخ دوم كاب جوش ي سب مرضى ودين ك فيداك المام هان الدوم عالمام إدافتون

منا رود المان المانسوك إلى المارات كالمراس الميك بوري x = 158/10-5015 11 11 11 11 11

re- Bosselviaux Docidas استى بدوليا رخات كيديد ر المنظمة المنظ والمنظمة المنظمة والمنظمة المنظمة والمنظمة المنظمة ال

ي بين كان مدينة أنها الموقف الأكافر الالكسال الأولية المولية المؤافرة المؤافرة بين بيان بيان بيان بيان بيان م الموقع الموق الموقع المو

المسابقة المنظمة المن

د الأوران و خاط المؤرد وهوم على المؤرد الأوران. وأنه المؤرد في المؤرد والمؤرد المؤرد المؤرد

الهور مساولاً ... المورد المورد

المراكبة المستقدات ا المستقدات ال

ري بها الروس دينية (اما نظر دريل شكارات على مؤيد كها كها بعد الراس دلت أست ديناً المثانات الذهب الدوس الثان شرق المداد المدوسات في المثانات وهي الإسلام بي العدد الموسط الإسلام الموسط وهي الإسلام بي العدد الموسط الموسط

ن شار در در در در در در این این اطالب که آن این شود. در زر ساوی ب با مین کری ادارید شدهای در در ساوی کاری از داندان در داندان کار در تا با در داندان کار در شده



نش سندگذاری بداده می بداد کامی بدارشها الیاست ادر های و چزوی آن این است که این می بداری تا می این سند. این ایک مید با بست بر این سال ادر این برای با این می بازد. می میزد: برای ادامی رشتان از و داده شدید تا در است شد می مواند نیز یا کند. کار و یک از داد در ایست که یک می نامی هم مرد شد در کار می بدار می این کار می از

المست کی اگیست است با مرتبط شانه که اندادی کافراد موسیده این بیمانشده کید. موسی بیخ ایادیت مرکزان موساط شدیدید بدیدان میاک نشان بخشد می کو پیرست شوک میشند یک هم می موسیدید این کسید و موسید بشکرین تزایشت و یک می شاخش کامیست که محلی و کی سفای ستاد بی

و من به ها ای شاهاب میاری فاتلون کم یک بی میدند نید دان این کوار بست و بانشگای که . ا

ر چابشدنا اده دسماندی خوشدی کارد دادد شد بدند کاریان کند مستوریس آدر به آن کارد خواست بردن برا را بید امان و گزاریده نگار مرتب بردم خواسد کند این از در در بازندی برای بردن نیاست و ترتبانایده بی نگیر بدند بردن سواحت کارواز و تاجی مدارای نیاست با در در در این مدارای مدارای با در این مدارای مدارای مدارای ا شده را مدارای مزارا مدارای مدارای

ار برام ہی واقع ہی کو کم کے انسان جائیاں گارہائیٹ کا واقعہ مراب سے میں موام برائی برائی کا بسے والوائی مرافعہ ہے اس کے کہ کو ان کر بابوری کو واقعہ میں مواجہ کو تا ہے مداویا شری

حمزیت ایرای نے برائران اے دوئ کیا با سعنداز آن اور ہے گاگی گر (3) بے رئیس پر بے اس طوں کو بھی طوق اور کا راہد کا درجہ دارسیدے کا نامساداری افرایش والی کا حدیثی ویرسکہ داؤالیے آپ

ا تاکستار دسید تر بینه ایک بادا و این کا گذارای که کی تورود به جا آن سوساتش هم که دارست کام بی مین کرداندای کوانهای لاند. با فیاستد. صورت فداخون صول در تاکیش همیزندانند ته

حربت ذاامن مرد دوتان خدیدات بن * می سد امیدنوک منه صاورت بردیک رمی ندان سد له بها. محتی به دیر مجلد مامن برا و احزن سه تیل وا هم برستانشن برای کن کنکرم اعراضهای ن "

صورت بهی بیدا مردی روند فرید دارند به که به کشون و مهم میگای با قط در شد شده این اموان موجد که باشد با شده شده شده این به که اطاع بی به در شده که دارند به این سده که که آمادی به یک بی که ایست به بیدا و در شده این که میکند و دانگرفت سده اموان بداری کافت که درگذاری می میکنداند. قد با برگزی میکند بر در بر بر براید میسید که میسانی این اموان شده برای کافت فرا

ي بر هندي عرض ارسيد براب سيسيد وسيد و استده ميد ي ميان الدهم. مزمر مني بديد في اي موت كام الأولم شد است مباكدها فري الدستم الأمراك طورت فرام في و سدك من الاكافر شام جادي كا حضرت في دائد المنظم جاد مراك ، كاب لجيد الانكمار كانيا الديك الأ

471

اثبات دوایت منام دورن درن

こうしているなられいるのからいんい

سرت الرحادة الرحادة من خصر بالداخلة ومشيرة مناطقة عن مسابطة ما يوان المراكز الداخلة المراكز الداخلة المراكز المراكز الداخلة المراكز المراكز المراكز المراكز المراكز المراكز وأن موان المراكز الداخلة ومدت المراكز وأن موان المراكز الداخلة المراكز ال

ائيسفاناليا كوميزت وببزكدن كياس سعجعرى مذى بتعياض

filling april a die dings a wishing pe

بر تورید ۱۱ - بادا از دخد کشیم سے انکیت قرباری نربراز این موف سے دکا سے وجرکت ہے کہ جاری ہویا : حب بید قد بادی میں دھالی قربان برنے کا در کی منگ وجا تھنگام

مون الأخذان من يدارت تقيق توا. منون الإدارة الادارة المقال المدارة المؤلفان في المدارة المدارة المدارة المدارة المدارة المدارة المبارة المدارة المدار

رشتن را روح سفوانگید. دکیل بری نفره این که کار داد داد می کار داد بری کار داد با می کار داد بری کار داد با می داد ما کار در با در با می این می کارد با در داد کار داد با در این کار داد با در این می کارد از می کارد کارد در داد می کارد بری می کارد در داد نیا دارم با در استان کارد در داد با در داد با در داد با در داد کارد در داد با داد با در داد ب

کان التو التون الدينة الدينة كان خدست به التوارية الدين بيشتر به أي المية المان المية المية المية المية المية والمية التعالى المية معرف الإسهام المية ا معرف الإسماع المية ال

خرج آم میشاندان بره عین ران که اسپیزی اصابیکه میش کافتا هی گفت. دم سال دشت بر ند ندا ، جغرب و توسیده دل کاسودگی میک ادیمیش که لازد اداری میش برای شده بیشته کاموری ایری سازی رست کدار سفران نداری با بیست باس سال میشان موفال پیشی

ب المعاف بدي ال جال مي الني الما تعن بي .

الص الوعال مت كاستار كرافي ق دارت اللو الارس الما والزيد كرافرات ك Marin Balacia Lold ach, Edworting ف بادسال كافر إلى كراس ودان وديميد بالك داما ، اس المال يد فالدورا المال م كالشت ك وي الانها عامل و مراوين ألى في عرف الدوب عل Louise Lorder Son Lungout like to still

مرا برساره كال غروق كيك وطوران و الناف سعادات الم مرد وكريني اگرا بیداشان با ای قرے ایے اخال باس کا قریک ادبی بست مارے اخال اس これたらんできたといといとしていいと الناوال الايرقياس ك والميارات كي يوسي خراس حفراسيد ما والاستطيروال 一十万八人の一十二人のかいる山下の近のいいかんとうだところ کے بال دور وہ مانے دورابال اس کے ساتھ باتھ بھا دورا بی مانے کوٹ with it is within the indirector is sound - Los hotels and engral 8- 12 12 12 postore بالكرسالة جرزنده كرسالا سار عبدان جداس كا كريط الأدواس كريما ك مان زاده فرق مادات اور امنال قام كراس الرائي معرف كراس ك موت يرف كادل مشروع الاسطاع مركباد ادر معلد داخي فدر بالماسي كالداك ياني ويشار عني وشكان اور لاناسين مها الن بالك كان كالح أحد وال كفاي

اكيدون مفرت دارف والألفيدونيات المائيكم برساكرونيا ميا مشابرة عقبا عل محظ ماس وتت احل عدد فا. عى ن استان كرونات الدركاء اب مرسيك وتاكاس دابات which you will all the brage " and Light واللا غرويد المعادة إلى كريد برواكن غراد الاستان ما JANA HEURONS ومفرت والاعلى بورى ومة الشطيران تقدي كري شداستاه المماليان م مثلية

دهرة الدنطير مصرات كراملوب ف طهران متعان كا شراق مال مدا المسكن . هر ووادی جا دیاندجے اسالا ان کے دیک ورف بارے مکداس کے شام إس اجبرال كالقرى عادد ان موادك عادي ترا الدواج

ひとんいでんこうことりで いけんひんいかられたれたいとと Star de La Side Lotar prima de la Constitución يان الماج ع الدين الدون يدون برقاء المن في و المحديد اورزی اصنی ا مرکا شارد کا دواس داشت است آنهست فائب محے اور ان کا دل

الد مذا المسال عدد الدوم كذال وت يك المد والا كالمدددي

ما مب شفياب ديا أن العام إدناس تراث كالتأخرو بندادات الماكم معام و فراسك في مواس مغرت بأبيخ فاس وترأد عبر وأشري كر يك دبسب كاس والي وهب با からいんのこのこういいといるとというというとんだい -4000 ب مير كيساته مركدة بدارات والادرات الى الدائن أو مي

- 42/2014 1-21-1/24. اسدا والمي وناعي أب الأولاد الكارا بتداب كم الاب كراب كاركفي بالمان شد عاد تسك مدار ك في ماد دار دار در المرمان را مرت المري والقي الحراق وركاله الكار المعادة الماسي الت والدوراول المركدون ورو عد وك الان الما عد المدور こしゅうりょこよいりりんしか

حفرت الرابع ف محده عدر أثنا بالركب الشت مي دوروليان ادر دو كان لانك كري من ويك دوافي من استعكما فاوروال من أكر الماري وبرات سد مراى درى كار ك ويدر دل ي سواد كون داب الكار كاسمان ما めいことのうりゃんとんかがっからとはいんしいけんと ي في سعد المراكب الدي اين والت وكون.

ع خاك المد فواق مك الميه إلا أن المالال بعد المركز والمان وم 12 Holloway راب سفيان كرزين ومرسكالد كروعا الى اى وعشد الب عشد دراجا

جى ي يا ماند الله المرا بالك لل في على الله يرف مدد مركا الدكانده خاخر موكرة بين احمال سندة المند مركما عن سند استفاق سنة كذكريد . ين الازداد المراكب المركب والرواب الارتان كالمارية Many Children ات اواجم السلام ، ي في كدي من كادى ال

البهداء فاسكاده كايد میسندی س بے کرفراس کے افی میں ہر اور برقار سینیل سے منی ب بالاسلام المندون بعالم الداسة والمولان والإ وكاست これからいんごかんれいかいい

اب نے کا کا بینداد وہ بریاں کا ابتارت کئے انکسال مرساسان قبل which in his his , were the stale 1 desperie است فالما ولاي الكالاين يد عرسال كودتا عد

موناقدي على عدى ومزركها شادد وما الح الى كراس فا الرون كد مى الدون الدائرا يام تراول بد قرورون الدود كاس الحادرو - حب مي ف ايامر اشاؤلهاى وفت كرم ووال ابرايم ف اس سكالم المدد م ال مردي اب

re-country

ت العربة تعديم ول سندوبات الاس والنات عالى الا الم

مورث الماردن الدعوان القريرة التي موان في الإنوازة في المارون في المارون في الموان الموان الموان الموان الموان الموان في الموان الموان

كانيده من مده المحاجب فوق جامه والمراح برائي المنافسة براكها كان الموجب المدار الموجب المدار الموجب المدار الم المدارون المدار المدارون ا

(اگر ایش میکن شام بدندگای این اصب مدانگارشد. امترت دادگار برای و دارشدیسی ارای است که مرتما به نزندندی کر امتران از شامت بازارست کارای برای برای بردی میرنده میزند میشان میداند. را برای کارشد این که ساخت بیش کارشد دادن کشت این میگردشد. را تنامه ادارش که شدن که مساحت وایش کارش بردی شدند.

ارات فال برقام الراب كيل دون كالات من الوجه بينتي عرفت المؤون عند النظام المدّ - فوالد - كان جده ع البريش مدّات أسد من الميام الاقتصاء - من المنط المدارية العاملة والمدارة المعالمة بدأة لمثل المدين المؤون المؤان الميام المدارية - أي الميام الموادن المدارية المدينة المدينة المؤان الله "

' بربانی اکرورات به شدیده کارداد" مرزد نبی مدران با شدنداد که مدارات مدیده می مدیده موزد آصد بر بردارات و دورای به جهانسی که یک بیشته است به است حداده کار به جرب اماده رشد دادهای و تراسی و ما معدن می مدیده باده موزد برای - اشدند که مدید برداد مرزک افراد کهای و ۱۵ است کارگیایی و تا است انتخابی عرب این از

من المواقع على المدينة المدينة المدينة المحاجة المدينة المدين

المراحد من الجرائية كارد بين أجارت بين المساعد بيد المستخدسة المستخدسة المستخدسة المستخدسة المستخدسة المستخدسة المان المواقع المستخدمة المستخدمة

Wright all skings on you don't when

الم في الم و وورون المراف و مع أو المن المرافي الما المرافي مع المعالم المرافية

しかないといこのでのからからから

الله بداديد في سفاعنون كا اكتها ادرت كس مثله والاستاف ك

لبداس في دما الآلاء

خشيدها مي سفه المسكل مواندن كه آن شده كليد ميتواليات واسرسدان وه وه مي المستويسة الله والمياني الميوالمان والميانية الكراف المواني جيندان و وهيئة على الميانية بي الميانية المنافق ميده ووود الميانية الميانية الميانية الميانية الميانية الميانية الميان الميانية ا الميانية ا الميانية الميانية

وما هرستاگراس سنده ماه اگل است خذا اگرین به کامه رواچون تو باست بسیند مناه کاروار رستان کرم من ایش منابر وظهر وزارشه می کدد و چنه خدارک در باست سند شکالات فرزندهای میتر محل کار

که ایریت طوی در افزوج کناک. "ایریت فار ایریت بیش که میران که کیستان می کوشد!" (ایریت کار کیستان سند کیستان در کاری ایریک کار ایریک کرید را داکر در ماکدرد ایریت ایریک کریستان کاریک شامه کاری ایریت کاریک ایریک کرید را داکر

ه الله و دو ال حوال هذا الله عند في التي من التي الله عند التي المناطقة . وكان والمست من كيد جها بيد كه بي الله منذ التي الالكا ادرو الله من عاطري. التي جهيد وأبر كان بي الله وكذا تي.

میداک خاند به کام در اوالی ندی یک بجریک کارسال کارگری مجری برای بازد برای این این در سرم مرکزی این به در می در این می این این در سرم مرکزی

= V67.00 8

نه ند جائب دار السروي امريان ندتم ميادام كاياب ميرالب على البحة:

گرداری وک کاکٹ آن کرورہ است میان میٹ نگٹ ویرنوپ با تکوم نافلان اندیکٹروں جن سے بات میں جانبا جوائد اصلاح کنندھن ! . انگیر عریف امرادوش مسئل حرق مثل براوائد اللہ عن کا باقال واقد ہ

كاميستة مشحصت باكيست ناناه دارالكوم المادة عندية الم كاراكوم برماخ برطاني والمراد المادة المادة المادة المادة 21 سفة منام موتاكي معشرة الخاصة عليه المواضة والموارد المدارية المساورة المادة المادة المادة المادة المادة الم 21 سفة الله والموارد إلى المادة المراكبة الموارد الموارد

که از جداری افزایش به خداری این مترست و با الدید دادگری است آن سد به دیگید این مالی میداند و جزایت برای که این برای این می داد برای الدین به الدین برای الدین که باشد و است و برای الدین ک میران شدند شدند که برت که می که و ام میزان به دید و دیده برای الدین که دید برای دادگاری که داد. می می است می که می که برای که دادگی به این برای این می که دید برای دادگی در این این برای این این می که این برای این این می که دید برای دادگی داد برای این می که دید برای دادگی داد برای این می که دید برای دادگی داد برای این می که دید برای داد که دید برای داد بر

م المهمة المنظمة في المواقعات المنظمة عبد المنظمة الم

المستندمين بيان المراكز و واقط طبيدة مها من المستقول أوشق مدنة ميكا داخل مورت الإيراكز و واقط طبيدة مها من المراكز ويضعه الويها بيد داؤا المواقع ويضعه موافق الإيراكز والمحافظ بالإنساء الما المستقول المواقع المواقع المستقول المواقع المواقع المواقع ا المراكز المواقع المستقول المستقول المستقول المستقول المواقع المواقع المواقع المواقع المستقول المستقول المستقول المستقول المستقول المواقع المستقول ال

امن خاب موارک کان جا جدم ہے کہ جا آگر موادل واللہ ہے خاب جا بھر بھر اور اللہ اللہ میں میں موسط کو استان کے بارسی ہوا مالا طاب بالقريب أولا الاستعاري في المستقدات ليديد. والمابي في اليوسية في عين اسدين إن المار المدين عن المدين المدين الموضية الموسية في المستقدات المدينة المدينة على المستقدات المدينة المستقدات المدينة المستقدات المدينة المستقدات إلى المدينة المواقعة والموايدة المدينة في المواقعة على المدينة على المهامة المدينة المدينة المستقدات المواقعة إلى المستقدات المواقعة المدينة المدينة المستقدات المدينة المدينة المدينة المدينة المستقدات المستقدات المواقعة

حوث داخران مدی دوران عوای دوران با داشت. درگانی می باشد حد به به مهم کرد از داخرانی نی السیدی این کان نیستید می موشود میدون امران این می باشد به می مودون این با این بیستید آن از می موشود که بیشتری می مودون این با در این می مودون این با این می مودون می در می دادران این میدد می میدون می مودون این می میدون این می میدون شده می این میدون این میدون این میدون می مودون این میدون این می میدون این میدون این میدون این میدون این میدون ای

استان کی این شاخ دے میں کہ دکان تاہم سے میں کان کی برطان وکیا کردادہ اس کسید فرائے کے زیادہ اس اس افراد کی کار بیٹر ہوئی کے ور بندہ ادار کل سے ڈرائے ہو اور انداز ان کسیلے بالان کی درائی میں منتول میں ادار کان شاہرے ڈائے ہے۔

مونده ده کو فرد و دو انداز هو و برایت برا کامید دن مر سوخه بود دادند. معر بازید المرید و دخوبهای از اداره و بواند از هو بردی تاتی کار بردی تاتی تصر بری بند ادارت بسوم که و در این دادند. تصر بری بند ادارت بسوم که و که که در این با بسوم که برای با می از این دادند و تا با که برای می این می از این می در از می می بردی بردی بردی در از این می از این می بردی در از می از این می از این می از این می از این می از ای المهم المساولة المسا المساولة المساول

ب الان الدوس بالان بالدوس في الانتخاص و بها إدارات المان الدوس بعد العادمات بي ساعة بعد - والله خداد من الدوس في الدوس في المان الدوس بي الكيدس في المدوس في الكيدس في المدوس في المدوس في الموالة ال - يمدرات الكورس في بدواد الدوس في الواد كان من كما إلى مسائلة الموالة الموالة الموالة الموالة الموالة الموالة ا

و در بروند و گورام بداند و خواهای دکو به سد دیگا کردن و بازشکانیک تصویرت ادارتی در سال برای نام برای با نام براه در میگرید کرایی اتفاد در برای در میدرد در در بدر به بازگراییا، - مرزن برای دادید در در نام دادید کارگراییا، - مرزن برای دادید در در نام در بازار کردن کردن که برای که و دوست یه ای

می شدگد کے واق بی با بینتر دادگا ادادگاری فرورداراس میترسد ما مت میتروان فرای میگاری ای میرکز دادگاری در دادگاری میکند برای میکند کارورد که کی کارورد میک میکند برای میداد. محرف ام دورد بردادش ادادگاری این کارورد کارورد که کی کارورد می اینکاری میکند اکثر میداند.

ے کیے کا فات گزیدہ کے۔ مورد اس موروز النہ خوار پر کہ میان کا شاہ کا میں کا میں گزید نواز کا انکار مورد اس موروز النہ کا اس مورد میں کا مورد اس کا کہ اور اس کا دیگر کا ماکا کا وجہد کے اسکار کا کہ اسام میں کا اس مورد کے کہ کا مورد اس کا کہ کا میں کا مورد کا کہ کہ کہ کہ میں کا مورد کی چاہید جوس سے اپنے ناز کا کران مورد کہ جات کہ مورد کے الکام کا مورد کا میں کا میں کا میں کا مورد کہ کا میں کا م

منور بدارد ترسی حزت من بن مباد از و کاگر کال به با انباط کنوی ارتورک ریند اساس به متن بیرک از کام می مجرف در با اور فرای در در این کامه کلید بر ادر فاداد و کار در بازد.

رسیار در این دانده این می افزاند این می دادند. مرتب از این می دادند بر این شاه اظ میداند به این به این وادن از دیکه این دادند این میداد در میکه این دادند این با ایک در برد برد این این در در این این میداد به این با این این به این این بیشار است این میداد در این این میدا به این در در این به دیگان میزان میکند به در این می در این می این میکند به در این میکند به در این میکند به دارا حوث راہ کا بھاری وصطرح والنے بھاری کے سیاحت برے مائز وابی کا ۔ ۱۳ سے سارے ہمیت ہوتا کھیں کے بیٹاس کے قامل کا کر کرت کاف کراے مارکا میں سے بیٹا خواج کا میں کے بھاری کا واقع کی ان کا ان کا ان کی بھاری پیٹر مورض ہے۔

کرنے کے فوق بات کا ادو کا جی نے اوار ان مان کا اور میں تنایا اور وہ مریب ماہ اس واقع کو میں سے کہ کہا سنزے بیان کردید تھے جی کے موری اور کا اپنے ایسا سے انہاں سے فرانسے تھے !

طراع ؟ بریا این ات چین می هود بیشند ؟ طراحات کارده مجدت مرافک شده می دشت می شود کر نیست بست کرنے کا فرونا میں منافک ای لیک کارکرست اردونرت دارا کی جروی منذ الشراع الح

ان کے ماہدی جاتا واکھوں کے چھائی میں کے استدادی عمد کے جانب وارا ایک فارات کے لیے۔ منابع کے ماہدی اور میران سے میں خود رکھا اور فوال آے بیٹر اس میرود ہی تو ہالی وارڈ سے تعمیل وکی واجعال اور میرانکسٹر کھرے قائب وکر وسے وارٹسس مجار دیکا

حصائی و که دادان اداره بیدانده قراعت اشاسه کار دارسه دادانشد به او دادان ایران هم بیدان میداند که میشود به دادانشده ایران میران میران ایران میشود به دادانشده به دادانشد میران میران می ایران چران میران دادانشده که بیدان میران میران میران میران میران میران میرانشد ایران میران میرانشده ایران میران میر

همتری کلید دن موزند پینج او میزاک مواد پرداند کسده این آمیان شاشگاه می سه کلیدسید کرد و میکاد ده ای برای اور ایر که از برای به بری بادر کسیدی چارای بیدی میزان کیرکدان به میرای این جاربرسیدی میزان این میرا میرای میزان چارای می کارد این میرای میرای میرای میرای میرای این میرا میرای این میرا میرای میرای ادارای چهرسی والیدی کار میرای میرای میرای میرای میرای میرای ادارای

ر کی و میرے میں مار کا در مان کا میں میں کا ایک میں کا ایک کے انتہا ہے۔ ا مورے اور در معالی میں میں میں کا طبیع در مان کا میں کا ایک کے انتہا ہے۔ ا

را میں فرق موادی آوان بیست خواکی کوم و برقان دو فال جند عدد تو کارسته کنا ان کارون می تاکد و فال مورد ند و بوایات سے کاروا کا ان وارس بیوان مد دکوم این دون می را در جائی از می جمه احد سے خوا دات می کارست میں برا بر جدا کر ماد برای کسید می میں میں میں میں میں است کے مطا

يرد نه الاد الى ترد دسب كم عن ي تفاسقهات كد. * است خال مرى توق كافترى فرق دارسة مني خالد بك الى فودى سه كان

' اے خابوری توق کوتی فوٹ دائستہ بن خابد رکھ این فودی ہے کان دار گفتہ تومینی آئی دجاتا کی تواکد کیا کا کا پارٹیا ہے۔ فواق افوجار '' اے این ایز انتہاں این فودی ہے کانٹ بارے وسٹ ک

اسکان پروائ کار خودشود. جهر دشتن کان جهت وجه و در سه نامیکان در کیک نے دیت سال کی مسئل کا بی دور چی مانسان کاری بردان وارد سازی توان کارلیک با کاران مادران می جاد در است اسکان اسال کاری در داند کار کردان کار در اسکان میزند کی وجه در است واقعا

در در در خوان بایدی دستگی الصیدای و داد از کرام کرند کردی بر ایسی می در در در در خوان برای برای برای برای بادر در در در بایدی براید برایدی می اید در برایدی برایدی برایدی به ایدی به سیاریدی به می در سیستگیری به در می میدی در به براید شده میدی در برای برای کرد برایدی به در میدی به می در می میدی به ایدی به می در می میدی برایدی به در در می براید شده می در ایران می در می در

الموم المومان المستوان المومان مواقع أن يليد في المومان الموم المومان المومان

المن المناسخة المناسخة المن المناسخة ا

در الدول المنظمة المن

پراہم ارسان میں آباد مورسب میں کا حدث کی جا کہریں کم الدیمی سے اواجوب سے ہوائی ہو ا علی محافظ ہر مورکیا ہیں۔ ہے کہ کر وہ اُٹھ کو اُس جرسنا، ان سے سب سے ہوائی مریا حلط ہوا ہیں ہے۔ لاسيمين شربنيداكا حزت دالوق معرى والأالة طبيركاكيب وعصزت إن دابيناك داوة الأطبر かんしいないいいはないないにんのにじられる مزت ایزیاسده مار مرم العراب والمان الديدك فاست ك المعامر جامان.

でいいりゃんいか こいんてつんなりしゅんとうないとう かられるいけいけいからから مهائ دابره اكرمن مدوان معرى دحة الدعير سه ما دا تدمون كيا ، امن غرديا مرب ورزا إن يرق خاك فرت بالقيدان مي بلا: مترشبند مبناه الاعتراث عليد كامندت من المسائش خدواست ك. كم いいないとかといいかんというないいとうとして

طرعين فردايا اسماس والم كو عدد والميان ورائداو عن الدوام والد thought in in the de de de de la contra con اسبك الياوت بين كادداب تعادسه ما قدين كي دوكما من وحزت بين اوليد يركر إليا وقت الالداب المام وين والمان والمرورية يسقف مواب داداً كري ان كالبرب فيدما تداب إياناد

اليدار في دريد دريد المالك معزت إندرو والدعنداليد ون ابيته فرسه مي شد (امرست كاست كار 100-14214

اليديداك والدالة الميران مراك ورواق كري اليدوه فالمرك ماست كيدسال كمدس وي ميارياك الرامي سف لا كالمحالي شيا و مزموا اورند يماد في عاميت ك داس كا عام مين خاركم كمانا بده يي مي في مين مان في البغائب كو عاد العب عدى طري منهد كالداس كالدواري الاسكام كا فذا الد الب برنگ ويل يري مري مزت منزي ره داندهي كاملين جرموكيا .ي

لفراب مراكات عدوف وي بالدين بالكروسان Mannie do or of 6 ع كم يالل كتب أويا المب دار المن الله.

ا حبيدي بهاري الاصنرت منرلي وهذا الخاطيرة حيرك إدس مي بين الإ بعد في المرال خدير والمراد و المراد و الما المراد ا

موزت ابدایم واس دان الدملی کون می صورت مین معدمان ما" ک

دادت كسيد مي وان عد مزرت مين مفرر ف دراف كا. " of it of in ord in wood in the 19 green"

المناسا على والمال المال المال المدات المال

مغرب معين ين مغرر نے لابلاً.

فاعد وفال اعتفاد مت الكواس وت العاب مي الديد صرت الدود الأطب شايك ون صوبي واسف كريد واست ك الراكمين حزت الدومة الدائية والمراكب الدامة قام مادوسا ال تشركره إلد المديسان اس دبایم اب این اون کاآل دی بیدتم ندهم شان کردی را بی کسیس

10/10/2014/4520 والإاص فيطوت كادان كاحبت مي ميادات ومن فال كيموان كال

بالمنحالة فامرى باكترك

معزت مغان أرى دعة الشطير ك إدست مي بال كواكل إست / احمّان ف بلك ك الميدان ك بدسا المرح دار ك الى وي وت مي ديا عدا تال ك وا

المري جوري والمراكب ون وراي ي الصيد المراكب المراكب مدن على كالديم إلى عن عن المن وتت مرسه ول عن ظال أيا اور عيد خال سعامترناک الناخ العالميد دياس كي فيي أَوَادُ ستَاقَ وي. الماشية في العلم. تكام علم عي ب .

عزت ابده بروي كم كم مدي بايس سال س مل يرمير بديد كم كان راية ولا وب ووسودم عدام وفي ماست ك يدبك الني وفال الرياك م دودين بيدي من ألك ف ايندا و من رواب مي استال الدوال · リテントロメングランパ منزت به بيرفاس دعدان طيدر ن كاما ق صدي مري اسال بي جنابيك المن في المات ون في ما شوق من كا ادرا والدران كودة عد إل في عداً. حورت الوعلى دورارى دعمة الشرطير ومرتك خياست كمياوس مي دورس

せいいんりょこころのいんないとしゃりゃいしょうしんりょ

. Special war of or profit or has he " Collistic Julie 1 Vore فريل ومشارب مرال كام إب الله 12.424 الأبايا. ووحوَّث حَزَ طبيه استام تحصدا معنَّه مضعربت ساتقاد بيئة كالوازت بإنك

Minds of or hor Lize hazadier الإسامارة المساس غير وكما وكوو عدادة إلى دور عكوي

اسمال كامياب إيكور مادی کارے اور ایرای کاروب بران کے ماقد جل می ایم ة - place to shire it do who will an ing

is of un-laborator of Sent and a post of 大きとんびからないとうです。ひゃんいいんといから

حزت ابا برخاص دوران طير حکى نے برعا . ايان كى حدّث كا ب)

241324021

مكرون والما في المان من المان و المراب و من من المان المان و المراب و من المان んじしゅんといいとりないからからかからのからかいとい 人とういというからきればれるしてのかいいいのいろこれのは

かんかんとしいん こりというしゃんかんころとんと كالوت الكور والماس في اللكيدي والقرياري في الكول الما - Winds - 186 - 19-66

عيك إلا الم المعزت منذا المعاولان

حرت الله من المرب المال الله الله من الله من الله من ك あんしんのこれから C. メントルしんがしかいかった、これかのうとくりと . Sill & 2 Would exapped

منزے علی نے بین اور اکرزائی : خدارے بر دوان کر بر قام فی کوارے

تر بر برط کے کئی کا دھری کرتے ہوراس وقت معزت فیل کے کاملا۔ العالماني باند عقرى ورنديد:

صنیت ابوروسی صنیت میندامینه ای در تا اند طب سے حوج کها کرمی نے استاد

می مغرت الم مثمان کی عبس می آن کی احداس بر یک وجد قام را موم ستعلیای لله كا والديم الماد من الدوم والمراك و من الله كامن Signalicate in a social day con freque thata aciany a comment by 2 1 & good by the ma اخول سفادنا إراست وزندا فراسته وتغزل كالمهت اختيار وأكد الحاميدوث

sure is manth for to it it a vision is يري عالى كان في والماري الم المراجع والمراجع والم والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراج いいかとり、これのからないとういうんのはないかられているからい withings of the an wish

العركة يماكم إمر ول الكاه عصر يمكن الدكاه عن المراق . 200king Lither beeting remains Allow on will will pulled in and

18 4 World of the State of the color الارت إلى غائلاوى . الرنيارينان مت كيب في استبل كما معرف في بدياني كا ادبي مع الدا وم الم التي ملت دار المرام الدار ما در ما تب الث أو و

خاكع الدائد عدر المرب لاز الما ترات لاك مل يردا الم الما ميد ديد مي وال المناب ستة اللهريف كم الدوج مي والالماده والمت قان كريم يرادنه

おかんでといいかんとかんごいいいんとりいりとうの ·是だけしことかのかしか

مزت ماقه مهاد المدويل غاديا. 14.2/6/30 47045 الله وبالكاونة أقب قائب فالمي ومؤكم بول ادرودموا إطف

كام ودو مر ياف على ومؤوّر عدم مرب سيد من أمّ جل وسيدمام ك ساعد الدارية ووالى المدال ك وسان مقام صوعا بالم الميدالله م مكام درين ما من ما نسيعت الدائي طائب ووزي كروكت من مقرم ال E for can vistos fer achemone se

ことうからしんりのといるとというかられ الله في المصية المعالية ويدول كا وان مات مي ماديو ركمات كالمكم والبصائد Land love in 12 in 8th May cont on polo مامان استامت م نيت من كاهاد م كان لاي وعدا.

رمال الشامل الدوامية والمارة الأوري أنفرار كالمنطور كالتي بعداس لاملب بتعكوري قام ماحقي فازمي جي-اك بلت المحاشقات كاستحرب فازب ومل الأعلى الرعب والم وجد مران في الدما الله الدمام وب من الزكاليات كالنو كودنا كالبيات كذاء كوداك اوراس ووج مي سنو الموار وكالنص ول عدور والمدوع عدد ويدون ورك على الدوية والمت على الا in the extra contraction of الرسائنيت مائرس احراره والوبدك كرائب كرامنا فالديفري مسلت وكال مركي وراك الشاقى ووالكايا أب كداين فين قرت إلى وري بشواب الدائي 8 1. Lit of wife Som 18 a cost ign Lx Ulaco, con ستاد من مي كو كالدام اور فرق عديدا نشارى/ اختار كرك الد تنال عد عادات كالما عصر عديد الله الناجات كالكرمايي ماكر في دماك تدي ود و والد و وال الله ك العام با الما الله الله الله والله والله

مای ای ون کارتد سه به فرایت ایم تام براد بری مرت تسی بان منا ۱۱۶ بعدد إن من رحت والى كدة حنادت ماليافيط والمراجيد وابي والمرافوب といいいからりはいるとうではなどといっていかんないというとして رجى دامت ميدود داراك مرقاد مون دفريت بي عدم الأشال ك はいかけいいいいかんかんれんかいかられるかんかん البريوم والمن كان جي بي - بال كاس كراب كي الحديد كي مشين كم الزيري . ال الام مك أي ميتالد وان مكون في دائب الامراندان بريّا رائب ك مان اكن وعرب

منرت سل ب مبالله تسرى دمة الدعير واقد بي ، " عب مادق ده بعيس يرمن قن 8 كارت ده مثر مكوب نا د كادت أسة ورا ما در المار ما المراد ما المام المار المار مع المكنية

مزت مل بى منيان ترى روزاد ملي رفارى بي الدين في دوناد مركمون تع ب نادادت أما أو وتندت وبالرجواف الدمي نازادا كريا أ · deres description منزرصين للمعدمان دوالشطيرة استثثث برمادس مكاث ثاز

(من كركواني دوك ن ما يعيد اس ورم كال ركاة برسة الكاششت كس بيدا صين بي منوسان شفرالل

بي تام دي درا حت الدري مالت كابتر دي سيصادر الثر قباني كرووست بياس يبن كاستينا م كاي ، ان يدر كاال كاي ادر دمات.

الميدول والت يوكري موت والون موقاد موال ملاك المقادي يت ان کے مير مي ص و توکت بي ميش بست

مزت منديد در در الدعير ميد وشعب ك قاس ومليدي مي جلاك - Serios 1202/200

والله البات والصادر كورم كذائد الان عداست كو فاتل الدور يك وال ي دُوه جزي يوم عن كابداد به اختاد كرك اص وقير يرافيا جل اب يرامالد

تاكن بدك كانكاس الى عدد ومعدود دارم والى. النرت مها أله بالمسارك وفي الله مثال من فريات إلي كريك وهمورت الإداري ادے مے ی سائیں میں کا جہت ما دے اور عید اس موت کی فاد کی

علت مي مايس مي كار ف وكال ما كل مالات مي كان تبدل وبال مب داند 2120/27/2010021 Verice Orbac

collengle is de a finite victor - 現人からししてるのは معزت ابالزائلي رمأة الشامليك إذان من أرشت الرعيدة المركي البيون

سابت مان كا يكن اوبت بال كاساب كر ياول الاتام وعام اليار فيرون م أب أماليده والدائب كريد إلى كثراويا في يل محدواس بهامن شويد المائي كروون فيون علون الأى مال ين الالال الله الله الله

وقت الناسي الني طريعي موق و جاني النواب في اليا في كل حيب وه الاست ناداخ

مسينا المرحدان ومن الدُشاق مندوات كو فان في عدال أت أبده الأف فيص ادراسيا عرفاد قارش الأعلامة عدارات فيص الماري من الدعيد المرا

のなってんないことがなってきないなんなんしいとう ت بعداء بنا كالرون المسدكون بروز و الدق والماث على من مات داد دارد الداران بدا داد در دون كافي مدة بعد الموالة

صررت يستب طبيانسام ومنزت ايست طبياسام كامها فأسك زا دميان كا لبت مي دارن تصادر مبدا من ن ان كانيوسارك ان لا ان كا الليس يكن

م كري أور من في علات كريكي والو

حزية مسين بن مفهدد تمذال طركوب مول و واصالی قراحوی نے كماكر estorendasto interpretate Luistas · こんならずかとうなりできんしゃんだいいかい منزت فيلد من الأعلياء وليأتي ك النهم بي كرقاء كرماكي الداعش وستال كما

الىدان مى مىنيات د كى دال الايدائيده مادت كى يدسيال ي مورد فيل way and are in de in who here is

حزت فالألفان كويتر بارتا خودناكد يقادرو كليم جاك كند مخزت في الشفاك الانها عرف أن والمرب و لم يع الله المراب الم Luidende

المساقام في عام ما كالمراح من الأعليات والمناكل المراوا كالنامقارمان وريد عزت كالفراك

مرين كما الا ووروي ال مورود بالمسال الما ويادي م جي ديار برند ديار داريد ي كار مانونوك ما والويول فيك مدد كما ما يعد الدولاة كالعواب عامل ما مل موليد من كالمان منوي تشادان م كان بيده ونايا وحذت مدان الروش الأفحال مذبعي حركه أكشك باس مرجه شاسبة

وليده فيكريم الما فقد طبيده المرفع تايل 10,042 204,54127 Der No No مزت دا ماميالك دومون كالكيامة ماماك در مديد ری میں آنام شیندی نے معزت وقامات الاس وقت ایک اوٹ کا ڈکا ٹانکے شاہ

عدائن وخوم كارت في كارتن دراد في كالكارسة عاريا ولى يور والمادان ويون ووالاكرام المدور والمح الراح يوارى والمراع والماري بالموادي الماري المراح المراع المرا 1/2 (2) 1/3 19 CACIB -1 : 1172 2010 10 200 いっこうかんとんしんいいののころいっこう الأخنى بنت لون و عدادة عدادة على الاوقت الكركا كر بنت لون ك على كانورت من و الأكس ك إلى ال نه جوادر ال كانتعرل كى كان عدت ال ヤールインンリンカルンリンテン

300 معزت فيل عبداستا بالمارة تشك كما زكات وسينك كوكن مهان نداي. الميدتر تون والديك ادرك مان والدين وواقتان عدام الالمال

aureolosezeviche de ellos أب فرايا. أوري منافياند ورت كالل مني بدع " الحاوقة الدُّ تنافي

في عداد أن والله والماء العقل عدى فر المحالم المارة :000000000000 معتدرت بالم مل الدُّعد والم ك إيماد بروب بالم كا والا أيا وآب في ال

ك يد اين مادرمه كريكيا في ادر زيا جب تمارسه مي كمن وم كا عرف دالله شد 127800 حزت داکا میاسیام دای بن اونینالید کا ایک می گرمنوت ابرسیام ک عميت جي ديثا تعا يكيب دودكمي ورواني سند مودارست كير إنكار Chranker harmakung with

مل من بيط برخيال كالمروش كديك و يا مابيت ادر ودراخال بدكا كراست من الادر عوامل مرداك التحاف المالاد المراد المرت الرسد

ما ين يركز بالروال في الروال المنظال في ما كرم و يارد الروال

موت ي الرحيات دويان معالة طيرك روك فرك احلال إلان كالرا المادر مروث المدوم والركافيدان عيت فرق بدادر شاى وفتر فك ماهر كرند ولا سبباس كايس كالداس فكرك LA TO CO SE MENTE SE MIL OF THE Mr. Valviroly のとうかったがいしことのいい

كالمندان المارية وقراع كابد: とうしょうしょうしいかんのいくなっとは、いとこか نس کا کیت می فترت کرون کا جدا بود می فایر بر -فاد ند سال کار بر مالی کش بر بود می است در بیشات کری کا کام نیزد کارا

بعدوم يدائ المساسان عبام بالله ي المامي المراس الدورة كاست في تخف دميا نسبت. List the Larry Aced on 2 1/2 12 - Oh profit in wife in a de west interest or top

Source astire bilding and the shall were والى كالديكن ميست ديك على إليا تعام يدوارى الاعمار كروا فقا ادرمان وي ي في المال المال على من المال withing employing of 2 Houseston · Kivi of pidencille of the har the من من ب دول ال مبت مي ناش كاب ريد شف / الما يما

ひかんとしんかかいこと いんいいかんりんかんしん كاقتي ويف وياب الماني والإيكرم القدارا والماران

حضرة كام على الله عليدوهم كالكيب والقربست كرباد ثناه عبق شفائب كا خدمت عي محقق مخزی بی مائید شداخی دشد ای بیکمل کراید اداری ماری دال دي المي شفى عامر

sodurofeligia

りんかんかとしいとアルル

ما كاد وتن كو كا او مؤد وال عدمال.

الا على مين لا عام الدير وعلى عنى يذ يكالك all in Luin execution do apresent

can Survivingent Hore Device

موت ميان بالبرويد وزال الافادار كوراله يساور مي الم من و عواد مي و كران كور القائد مي المدان الله الدون الله

400 C) 51. 01.03 25 62/04 3 m d 2 16 0 2 2 2 C

ور العادم وي الله الله وي المرت من المعام كال كالدولا

- 452 ではいいいといりこのでかいればに

colle be indescribed demine of

فعا سا العاد كما كراس كري من كرون من من مبالل كرويات كل الموا

غال نام كود ي الدمية المولي كالإيال عام كالتوك والمديد

Way took a done Live of without the will

الكي خنواسية الدام حن بن على مرفيظ وخدالة قالامذ ك ومان مراكله

الا العد المون ومل إلى أي ما ومورم وفن إلى مورت المع من الفرة م وأولت 412 M. I to in CAL 12 wit silver stoy with العدود والما البدعة كون ور والم المديد ما من كري ف المان عدال كاميو يماوين كاندي في الصال كرائ والتي وال وا .

معزيتا إمل سفك دمن المدّ مليكي خيات كمن وسافي كما أقد به زركت ج

يزوا بن اعداد ك الترى ودية كروى ورك وية الروا عدالك

فدس تعاد كالمتلوكة بي مكن ترك كالدين كالالدين كا

بها عزت فاكام مل الشاهير عميدات مديدات كاميان كارسان كام إلات مرور فالمدى ورود ورود دور مال در دور كالم مالا عاد ترسيده وي باوكون كرهر ومل الأملى الأعنية والمرات والدوعة والترات ي الإدرائي سائي مارك

حزت والا مح المحل من الدعير فرات بي كومي ف الميد ودافي كاد يحاكر الدائد forto Linux convictado por con Lore سار عام مي ماك ادرسيد ولون مي تشير كديا

موشدها گاجق معتالهٔ طیر نوشهٔ برا کراکید و تر میدمشان برا موج

فاؤى اختزاد مزمك بيخ الإنسربراق دعة الشطيرمييه دمغتان الباركسة ينافيا يني اوموم وورس تامكا قرامن كاسداك ويت مي مشراي السياد وايون ى ماست كا وفرار نياكي . اينول نے حریک وروشوں ك المدست و الحا اور كا در كاري ميرا · いっとんからんららいよりらんこりんでんろう

قرم الدوكما و تين كاتين دوليان كيد ظريري عتي. منزت الله من ملاء من الأملي فراث مي كري في منزت صنى المر ، كما كراه

-242 SrLowpingocolin حزت برابم ادج دان الدطير ك بلسه من بالتكاكيب كرده او دستان مي からからいいいいいいいいいんしんいんしんんんんんん المال الم الم الله الم المال من المراد والمال من المراد والمال من المراد المال من المراد المال المراد المرا さんしき こっというしいがんいれかいんできいけんかい

221222442 مغرت في الرحياة خنيد راد الدطيك بدعي بان كالإب كردوناك دخت برسا وامن شاسل باین چالا کے ہے۔ حزت وال كالكورات الشاعد والديم كالرياسة التي يما يكان المساعد والما يكان

ميد برسال دريدك المادم معزت الالدوالة وتاست وخدة وياد كرورود ق من وي دو كرو و كال الدو و و و و دورو عدد يسى عالمين كراك المدويق في التي وتاكم في منا الدكان الازار عامت کاما د ک

وى دادى مى دويزىك فى دكسام مود تقالد دوم سايام وي Landen Stor Languine الأم والي ول الديك والمارية والمان المناسنة والمراق الموادة · go circle house wie dans

منرت اباس مليد اسلام عدار في مزايا ، مرعباد قامز ل فعرق كي . س ف رب اعالين كم ما عدر أيها وا ين الإصرات ابرام طيداسيام عام طات بر الزوع المام عدد من المن الدمال المرع فالمعالمان وقت 30313-1/4/2×4/2012/1422031 かんかいかいいんいかんしいんのいんかんかん いいとははないとかいいいのではかんとしまいるはかんと لياد بني ك ال واسي موت الما يوالدا الما في الله المرود المرود المرود الم こんはないうこうとうとういとというけんかれていれて المندول عالى من المراب عرف المروي كالأولات والم الدول الما والدولة 12 in the eneth docon estercion これならとかさいんじかんうりのんかられるべん Ly. 1605. 47 = \$2 in 19 = 16 + 201 = 3p - under in a derbut W. Low for 1412 to مي را براسدا. قال بذك كرم اخت مي دون مكتاب .

(دار بروست من المى على كال على على ما تت كريد والم Sitation and will be de sund and when

ك كاللاد كاب واب مرى والنت وكود كوفريك المد محق جل الد حزت والأكل مجال وتزاط طبركزواب وياحتودي أكدم المناط طب المركزواق

King of Bangalor الدمل الله بقي كن خيث ولايد العدر في ذال ابين حاص كم ابين قيد overest indrago plane one see still Edroic dy adyment, date LLANGUARTE STORE PLACE LEVING

(السيار من منوى بدور الميل قام مروى ميلا بواب . أنكر و يل الماسيد من المراجعة والمراجعة hate he aper & of a to phops a special por appear for a very could be process despose for our of super signer places はんこれがしているらいはいいしいかとりにかかいこと الله المام كان يراق على المدوان المراس المرا ▲ Condon py (- - ald both a L colo if to فرت دوفل ب ادرنش دياك يام الركار ما مت ومعيت ادرسادت و فتادت كدومان سب را در مثوك بعد الذائد تالكاد دايت وامتار عند اور ويكن في بيسيد كن بكابات شئة الدعديك اكافري النس كريد ويده كروالوق

دا بدين قال بريدك د و كم الن كعوائق ادوست معفزى ك تنابت مي مواداى وي فن وين ورو ي ما من المان الم عليه عن من المان الم المان المان المان المان المان المان المان المان المان الم best times and the the fact of the second المدارة المن كالم ين عد إلا ألمان المراد والا مراق الا الله مورة من بن مبالدُّ مَرْق دوستُعرِس مدُهُم بادرت بداج من قده رود مدار تعداد المعالم وال والمعالم المعالم ال العلاقيت الما و على من من المعلامي وه وريد بدا مد العالى ما المعلان ي مادل شادر شاحك احزاد في دوه دريا رب دو وايات دخت بهار ice-sun

2000

ات من المرت كالواحد و كالمنا الله من المراس المراسكة الديم الله

zpringuezatancesta Lord 120402 مزت سل بى مبالدُ ترى ك إسى را كاربان كام المستعدد وياسه woodsoner cha 2 Wife diplier oler and 2 Wild in fresh to

معرمت مبند اجذاوی وقد الشرطند کے إن الكيم التي آيا آپ نے اس سے إي الله

المراقع المرا

من خواج بدين المقاولة على المعارض كان القابل المدينة المرافقة المساولة الم

ما مناسقت على الأدارة الإيرانية بالإيرانية بالكريسة المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع ال الإراقة المستمان المراقع المراقع المراقع المستمان على الايراق المراقع المراقع المستمان على المراقع المراقع الم الإيرانية المراقع المرا

ی انداز با برای برای دوران داد با در این برای ند برای می سند که می داد نام در این می می داد می داد می داد می د میشود بسته که این می داد م داد از می داد داد از می می داد می

.86

منظم و هو المستقد الم

ارم بر رایا گاه واصفه به برای مسائله به حقید اداخل میرود در اطوال نام برای میدود به در این می برای میدود به در اداخل اداخل اعتمادی نام اکار این میدود به برای میداند به برای میدود به برای میداند به در این میدود به برای میداند ا برای میداند میدود به برای میداند به این میدود به در این میدود به این میدود به برای میدود به میدود به میدود به به میداند میدود به میدود میدود به برای میدود به میدود می

د المجارية الله الإنصاف المدينة بيرية بي المدين الرائد الأصاد المستقدان الرائد المدينة المدينة المدينة المدينة موترت عادث المجارية بيروان والمدينة المؤسسة بالإس المشاكسة ونامات الوارسة ليكمة والمدينة المدينة المستقدان المستقدان المدينة والمدينة والمدينة والمدينة المدينة المدينة المدينة المدينة المدينة مشتقت الملاينة كياد بدوات المدينة المدينة والمدينة المدينة المدينة

شاه دی ادران و پیشواری را برند میشکند. معرف داد کاری واصط خوارشدی برند شده با میشد فراسال که خدای وظری کاری توکه می بیدین شوارشد ایران است خواری که قدیش و ما مدارشت محقداتی مدخوب سالمایه آن واکد که کاری که دورود ما موارش برای برن شاهد معرفی وارد بدانشدی و ایران که کلسایی کید دورود ما موارش برای وی شاید میش با میشوانشدی و ایران که کلسایی کید دورود ما موارش برای وی شاید

محبت وادب

 مميت مي دينت كا .

المنظمة المناس المناس

ر حرار بردار الدولان والانوان والأنوان بين تلجيه الإستان والمدينة المستان الم

سبع تع المسام آلادماس كى ملك مي مشتل برع ادر كمان الاسك in a complete to detrolo dejudo lier الله الحدادة ما الله ما كالمركزة الارى أن المعام من بعد الكافن المناجل الدمجيل عيني ب حزت ما مام الراف يوكون كيدروش عسدالان ما مة مزت ابن اطلاد عن الدُّعليدي زامت كاللوكي وه كمروسك لك اللَّاق Warden of which the water of in a sent Sale Sale or a spale site Sol we directed ل كروس . ي غرابية ول ي بينيال بها يا كري منزية مين بي مند طا 6 ك اغدكوالكالمالك الدائب للاف ف يدولان استعرى المتعرى المالك د کاروان ال تعرب فال مي ما د ل طواط بيد جب بران تك إلى يكي قراحان endering broke 696 with a compe مان مكديا دور مدين كريد بامن الم المريد الم المريد الماري المري المريد الله عدالة في المالة على المالة المعالى المعالى المعالى المالة المعالى المالة المعالى المالة المعالى المالة الم تهديد كما مي براهدادياد كاب حاى مطالبدوناس كساعة معاصف من لك ترودان ي ساكيد دُخا الله الدور صند في كرم مل الله عند والم ف معزت اللان قاري الدوموت البعد معكاري

ع مهان بادين فاخ وزاق الدواني المدانية معاب منز كم مركده الزاد مي سعة

ادراخارف كروادى وى عدة المدوون الانادى والمالان الانالات

مرت در فدى ورف فل من كروس كروس كري ك المدود الدور

પ્રોમ્ફ્રેન્ટ મેટ્રિક્ટ્રિક્ટ્રેક પ્રાપ્તિ ક્રેમ્ટ્રિક નિકારિક્ટ્રેક નિકાર્ટિક્ટ્રેક નિકારિક્ટ્રેક નિકાર્ટિક્ટ્રેક નિકાર્ટિક્ટ્રેક નિકાર્ટિક્ટ્રેક નિકાર્ટિક્ટ્સ નિકાર્ટિક્ટ નિકાર્ટિક્ટ્સ નિકાર્ટિક્ટ નિકાર્ટિક્ટ નિકાર્ટિક્ટ નિ

وے دیا رقب مزت ہوست طیداندہ کے آئی کی فرف مشعدہ یا آؤر میٹا آسیت

درا می درد به بایدان توجه به هدار اداره و شده به ساز می انتاب از در داشت به ساز می ادارای و در بازی ای در در ا می به بایدان به این می در این به در این به بایدان و در ساز می در این به بایدان و بایدان و این می در این به این در این این به این این در این بایدان به بایدان بایدان به بایدان به بایدان به بایدان به بایدان بایدان بایدان بایدان بایدان بایدان بایدان به بایدان بایدان

المناعدة الإنكانية التي المناعدة التي المناطقة المناطقة

ر تیر و پوسال جون آن سے بار بار دائد ان ماک ای کاری کار کرد کار ایک میان وارد مریب ایساد ایساد ان کار میان میان با دادد اس کے بادد ان اور اس کے بادد ان اور اس کے انداز اور اس کے اور کا اور مرادد را کہ اور کان میان میرد کے ایک افزاد اس میان مادل سے اور کی اور پیشا فرسزت مادن وخاال عزست تعايث كريه تشارب مبائ البط خفاري لاوق مي

とといいというなからいいこうのであっているというという في وورسياكما و الواقر مورت البداسة كما الدميان التي وبابت كم تم مرت موساع در شاده ما فتدي ما هر كما كما إدب مات بال كار اسعبال مرت يما بي م كومري ما خشت كون ما بيني .

مرسدن جب موت در دو و برى مراوع د في كوعدا de production a jobs with an jobs with prod こというないいというしいこうしいからいいいちん حزت دناماب وتراث مديزات ي كوب كيست الأين عكسه وال مي والما

المالمالم المراج a the hylowy son allow - price and safe محبت الماتار إرداد ك ركب ورك ف بالدكار المساورة إ فال دكما كر تعالم تعالم العالم 大生のないところうけんはないしいことしいからここ للة والأكانة وليا بين ولي عدد واوه عرائ إذا أو بالزيد كراس ول كافرا مندي المينات كوهول كدورية العلام ادراى شي ستانية التركي وكوكو بالا عالىكات عاك دسيد العادث مرب دارى المرياس وواث كابدب

ين الإ المؤلدي بن قالب فارى وزائدة مي كوي الميد هان موزت ميلي بالباثث كالمستخذي وخدون الاندان الأنسيادل وورساي كابرا تدرو الدوال وقت مرى وادارة عدم في القدادي اليالاس بعدم في ما و المندور كانتافت عاجم الناسة وكالدور وانت ومتعدد الما عديد يركي تناجرت دل يربان سے دانات دارك احدم بها جامرے क्षांद्रकृतिकी १० ०१ देशा १० की ता करे का दावी किया एकी 「かっしいいとんいいからしいかんごうりのから Lynardin out, salawy of the 127 است آب کرد تھے ہی جا والنی اس بے فیت دخات میں مکابے امریسات contalyacionerayer manifestante عين رب الرت ال ع إلى من و عاهدال وي على المان do Haranthon of the de de man مرسال ما در الماري الما

لدا اخل کے مان کھا۔ مرب کے وال کیا۔ است کی کے الجانت ویک وي مائد كرك يومي أب ك دوارك الانت بني، وإلا اسداده الم البرات كاس تعابد اخول في مري والت بالكيشو براما. 60201-17/1

نبوك معزت إيدوبهاى رحة الدُعلي عد وكان سنّ إلى إنساعير ك ، بتنك آخا الماء فريد كرت إلى اعزل فيرونا وأمن الرجران بالرائد والتاكم ي مقاداب علاا スといるなっというかんだけらびらないれのいのろしいか الميدان كا فريد كاب . فاق بيث مرك = مدا برا ب

حنوت داود ما أن وحد الدُوطي كادا شربت كرككيدون احزل في وواكدا أ ريدن في وي كا موال ور ما ح يك من يا ين كار دوا كا الربر الل ف

وياري خا عدم كاجدار تامتكان كرسال بالكروف اينافس

مونے کے آواب

معفرت مبتيه فبغادى دعمة الأدعني كامعزت على من سن المساء أكيب خط مكسا أكي かんれるころはんこんといいけこうんいあいんかん

ب الاست يها وابن حورت مينو نباد كاك جاب والرياد ياد ي بدا عاد ال ي بارا ساطب اور تيدس تدان الا مريسوب حزت غلى دموالله طبيك إدب في بان كاليب كرد ويريات لكسك ول عدمان والرك رك يق مب مد الدراق و دواس مول ابن الحول 414

الإن دفعام الإنداري فيدل الميكام ب دوائل ك めかりいんなっかはあからだといいこりできなっといるとい これのとんのおかいいかいとかみにしん الكيد بزدال اكيد الياد المام ك إلى السلة بورات ومت ادرانس ك دعونت

メロンニャイトラをからこんとというはいこれの のにんしゃけるいのとうりなっているのとりしんかん in the care of the Signer on the state of سى دوا دايد دى دواك ف صفا كالدمركون و كالدك ومواول Lunda mily and Sharens Sychor しょうしょいしんかん きいじんとりょくしょ

حزت فجى وثرة الدُّعليكا ما قد بدك ده أكب وتب حزت مبند بغذادي المحاجق المراسع في الدو فو مارا و وي الدين اللي وف التاريك ورت بالدور このいんくこのからいるとびかかからいかりになりと يدنان بعد الدراكر فلدى وادى منى بعدة و غداد كرد كالكرائ تدا Sayound and be an empoulant Moral Carry (1964) મહિલા છે. માત્ર કે પ્રાપ્ત કર્યું કરવા મું કર્યું કર્યા છે. મહિલા છે. માત્ર કે પ્રાપ્ત કર્યા છે. માત્ર કે પ્રાપ્ત કર્યા છે. મુંદ્ર કર્યા કર્યા છે. મુંદ્ર કર્યા કર્યા

の見れにいるなんのかられっとのようれがいれる

المهم المساعد المساعد

ی انت دهان .. محدوث ایر نما و موضی دعمة الأعلی جها دراً انتر می معنوت واک ساحب !! کرسانش قصر استان برگار بره اشان شند ران ست واکن سند دریاخت کها کهانیه کو ر الدومون في في الدومون في هذا بدول الخواد بدرا المواد ال

آواب سوال صورت دان دری دو الشطار که کمید دین تقارا لدان نے اسے طعہ

فیاداد را کسد با و امادت سے افزوں تھڑ سے سروالاد ایا امنون ادامات میں شار اے طور میں برخاند او جداد کہ اول ہیں کہ میں اس کامیالی اواس کے کہا میں میرے نبر ۔ اوکر شاخص ای خار ہے اور سے کہ ان افزائی ارائی کہا کہا تھا کہ اور اور اس کے کہا کہ اور اور اس کے کے اس کے اور میں اور اور کا اس کے اماد کا میں اور کیس کا اس کا کہا تھا کہ کہا تھا کہ کہا تھا کہ کہا تھا کہ کہا

من من ده کامل مید از داری که می شده کنید به آل که دیگا جرجی سند این اور داری می این شده بید از این شده با دادی خان می با داش شده بید این این می این می این می این می این می ای بر که میروی می می این می ا راید می این بید که به در در این کشد بیداد می می این م

لکار کے آوٹور دہشنے کے آواب حدث میں ہے کرمیڈی و ن ملعب مؤدش آنا لامنے نے مشرقات کھنج

درست الالاستان على المساولة ا

بحنافان كالمرست وفياتن إحرايا بنير يرجا كيساء مراياء المسيفار ميالية مات ين إنا يفائر عانبها والف عادر والما معديد المنه بالبيلة في المناجل كالمناج الدين وتالدوب ما والمالي ا يفض إليا على ما يول كرب المدين ف و كرا بن برادن وري

مقرت احدفيثنا ليدى دُمودان مليد يحيدون فيثنا لِدسكه امرون الدوشون سك をしからいのことがきとしまんとうならいさい のかっとしているしくいかとかられないかとしょ الم الله على يرينان مرك مفرت الدائد الدار الديك كالران ع أميات لايا تشاطل كون بيطان بأجه إنغاد سابتا إكرم لالاجرب إلى Jivova 2,00, conclude all is ٧ كان فوت بن كا والب ف والله ووسد مدار في كر المدات م الله دالدنام ورواي المراد والمراد والمال والمال كالما المات م مبرى يرام الا المركا ميرم من الانتسام sichwork pringrater alle

一色出いんからのからのからしてとりして

حال ادُوتت

منزت میند ابندادی دون ان طیر نواشته می ارجلی می تکیدند وایش کرد میکا المادن عليا المائد على والمائد المائد عاك استعال المحاجز المضي بال بنايات ويكر ومستنص بعادر في ي بد الله الله المراكب وقت الما جاس المرضان براب السياس ال 促いいのは、いとこのがよりといいいのではない how ket or Mentante wet touch ماس كدن ادر ديد وت كولول عفرت سند نبدادي الراست الدي وال عيل دادد عيد اس ك في وكال جوقيل جول ادروه اي مرادكون كيد صرواي أيا قائدا مع مثام الياسي عنه احداد الدواب م といんといこといいかとことのりかといころには ين إن دو عبر ب مال بي دوشت دريشان لائل جري شي ادرمرا سوايد كم مالداب الى ين دو مراب عال عد الم الله مرابع الماس من المال

اجرورك عي الميان مرى تا بعد درامرى في الاركال متاست كدن مب امثا إميان ومياس عليت سر عاول ميمريان و الديا طرت الرسيد فراز الم مغرت الهابم معدى كساقد وما كم كالمسطي Vicing = 12 19 of a do lege or iles ton die かんうろいん いいんいきょからりとれいいいか 82 m/anolove 1232 - Liter 11/2/13

solutation ettersesuit evill

- 1 chr 1.26.1 تهرولطف

عفادي صاحب مرتب خزاري سے دودوئ تھے۔ تک صاحب قرونلب في در ما ما معدد دار مدون م دك مرك مرك المراب Six consider was or for the color of the المعداد مراد من الما المراد ال الى سى قال لا الرونديده يربت زاده كل في عديكم اس كارفاد ده ا بن بندن بر علب بديدان كريث الول يُواكن ، يك وفد ماس المن الله ك كال الله المارومين من المراح مِلْ اس مدان أكي النس محرك من الدار وإشا اس ف الص مرداء وكما أور Williams was to Harry by and en وبدية والاستناء المدوق المالك المالك المالك المالك المالك willy Live Soon - Joe His it have いしんいいんかがんかいいんかいけんかしょう conside describient - de incorp 45. 4. 16 1/2 4 10 18- 21 6 2 2 1 5 a 68 1 とかんりゃんこうちゃろいろいとめいれる كاس كاختى ادعائب كارم مثقت كرسات كى كي حال باداب

المسامى وفارته صوت وآنا على بجرين رعة الأولايد كالرشد وباقت بي كوانك سال جلى ي الما الله المان ماحري عي أبيط مرت رعد الله الميك ما عدال وإلى الدوكرويجا وتنت كاليمي أراشا ادراك الروتنت يرجلها ما تنا كالدارا والمرا فالماري ويد عام مراف الماري ون فات رايان دران اكسيم ال كريسك و يكسام كال جرابان موالتي . عدا وي برادان محة برنك من قبلها جالدجم كودردة فرقا مب ده قابرجا الأمير مرف دہ گا اور عی سند مالی سے ویا فت کیا قواندوں کے مزالے میں بندہ ادبار لی ہے ج داديد الايان بكرواديد اس كري بيد مدارا موساى اور الميان حرب فراهنان وم الدُّ عليد كادل من م خود عامر ميك مفرت مند العالا يكوف ويدامون في بالحماى موس كوال عدد داكري و اكم الدخاره ال جاز دارجا د ماس کے دیکرنے میں معروب ہے کئے وقیرا ظرومل میں بنا والا الحف في موت بيدا كود كما وسازه ي كوف واسب ي المرا indicator of the interpretation reprilo 24 of the Conquest warment مغرت خراصان کے ول میں عطر مذار مواس می معزت مندج دی الدائد

الإلك بالبيم والمقابل إراعزت بنية موت فر كارث في ال الضريب كالمالال والرجاب حوت جذا كم الك مرتب بالرجال، وما كالراحد خذا الح محت عدادنا

قريب ما قد دوكرم نزاجيها حزت إدست طرائدته بدئه البنج عالم فلدسك ما الق كما قدا 9 اكبر عمل سبق الإسد خدى دى القرفاني مند قرابل برا بشركزدند ما يمي جماعت الإسرائد إن برده إلى عجس الكميسة ودورسة ععد بين ب

به آن ها آلب در داد که در اجال در میدان به میداند. به انتخاب این به این به انتخاب این به این به انتخاب این به ا به میزار این این به ا

المستقال ال

ئى ئىرىن كەسىما كېدىدى. خوش الحانى

ر حرنت ادیاس فاص روز الدُّعد فارند آن که دخش و در سکالید میزیر تمایا انداکید سیر سکه سافر قان فارن این ساز دیگار نکید جهل کو دخیروست با خداد کولید سافر و دوسید میدان جا اقدا میروش به آیا دوست با خاده کولید کان میدان کان سافرانس سافران جدان این ساف این این ا ك كه داراي الآن المركزة مجاون بالسيدي والمستحدة بالمان المستحدة بالمانية واستكال المستحده بين إلى بك كالعرف بسرية أجند ترميده انتياد كراها. والبطرات الامركزة. محافظ

الدي هم مناصر تبديها في تنظر في المنافق المنافضة على المنافق المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المن والمنافقة المنافقة المنافق

ما آن کارا دی منتخاب نے کہ کریچ ان اور ندیا گئے۔ گئے ہے گئے جب جن کا کا ڈ کنے گئے ہم بڑھیے۔ جان ہے کام کا فوس کی ہے اور اور برطنی ہیں۔ کئے جائے والے والے کی کارکس فرق کی اور اور والے کا آور ہاں ہے ڈورکی میں تھا کہ والے ماک کے خواہدے کا فرائس کا جدائے ہے کہا کہ اس کیا۔ میں تاریخ اس کا ماک کے جارہ

کیے ہوئی فرانے ہوگاری سے دس ال سے قانون ان ہوگاری بھیلگا سے 10 ہاڑ ہوئے اس کسے کہ واقع کو اگر اور بھیل الدو طلبہ الان کے بھیل کہیں دولیا اس طریعے کہ وہ ہوئی ہوئی ہے اگر میں میں اس کے دولیا ہوئی ہوئی ہے اور اس کے ایک میں اس کے ایک میں کار میں کے اس کے دولی ہوئی ہوئی ہیں ہے ایک چھودی ہے ان کے ایک میں کار کے اور اس کے الکے اس کے اس کے اس کے اس کے اس

ر به مان دولت و به بي المنظم المنظم و المنظم ا الدولي المرابع المنظم ال

بالرب إدرواد وكوي مزت ومن طراعات بالمك

cr

سه الألياب كالزوات الدائلة بسع به بسد البيد من رات والبريت ولين مديدة إليه الدون بالإلياب عن به بسيد كالموان بدراً والكند بند والمد الدائلة الدون المديدة المديدة بالإليان الدون كالموان الدون المديدة المديدة المديدة المديدة المديدة المديد الإلان المديدة بالمديدة الدون المديدة والإنت مديدة والمعلن المدائلة المديدة بالمديدة المديدة ال

مان کارام بیدار ندگان با داد کار داد دادی شده دادی مداکده بر شاد. گیا به بیشی این مدود این کارد کارد شده این استان کار دادید گیا ایدی موزنده ای مادید این ایدید برای بازید این موزنده این مداکسته به تاکیل ا مواملی داده کارد این مورست با بدنده گیری موده مداوان موامل می ایران می ای

را شدگ . مورین بنیان در دانشده برای بر در این بهت منوب بردا که این در این می بست منوب بردا که این می باشد می ا و تا می به این است این به این است می بردا شده به می بردانید این این می در دانشده این به در دانشده این به در دانشده این به در این به این

با نوشترکیه به چه باده چنینی و خاسته میانگرد. حزمت میدانشده داده شد را شد میرانشد با مدین کری سد دیگا کدیک در طرف ماده چه باده صده بی در این در داده با برد از میانگرد در این کند می برد با در از میانگرد مرب این کند میداند و نیجا از میراند این کست در این کند میان می و آوسد دیگر مرب این کیس می و نیجا در این کست کاری این کاری تی ادر دیگر کدری

المراقعة المساولة على المدافعة المراقعة المراقعة المراقعة المراقعة المراقعة المراقعة المراقعة المراقعة المراقع المدافعة المراقعة المراقعة

はかないとういかはらなりではしたいいいはいかいかんかいかん

ر کار این کا کارون کارون کارون کے بیاد بالدی کو پائیستان میں بالدی کارون کے ایک انہوں کا برائد کارون کارون کے محارف کے ایک میں بالا امتوں نے بنا کرتی دائے ہیں رہانے کے والی میں کارون کے بھی تحاوی کو ماہا درختی کی بست کے مائی مداکا کا سام اس کالون کے مداکا کا حق کا بھی اس کا میں کا ان اندیا کا مائی کارون کی مائی ماہ درختی کا دیست کے مداکم کی فیار میں کے اندیا میں کے انداز کارون کی کارون کارون کی کارون کارون کی کارون کارون کی کارون کی کارون کی کارون کی کارون کی کارون کارون کی کارون کی کارون کی کارون کی کارون کارون کی کارون کارون

معرف می بروان با داشت می این که می این با شده نیست با در این می شده به می بردان شده می این می شده به داشتی و د می این که بیشتری آن با در این بیشتری این می شده برای بیشتری این در این می بیشتری و داد. می این که بیشتری این این این می این می بیشتری بیشتری این بیشتری این بیشتری این این می بیشتری این این می بیشتری می این می بیشتری این این می این می می بیشتری این می بیشتری می بیشتری این می بیشتری می

موت الخوصلية وثانيات قان عن واقدي الإرسياسي كوكوارا ويات را نا يا يكل والفيل المساق المساق الي والوصط موال المساق را دانا يكل والله والمساق المساق خوالان الإمالية المساق المساق

اند الجرياد وحذوات فراجت هذه المساولات المؤد نا أو المتأثرات المجاوزة المؤد الما المتأثرات المجاوزة المؤد الم وحيدة المؤدرة ومثل والمؤدرة المؤدرة الم

مغربت اباعارث دوه الأعليه وزائد بوكوص مان كالبست فوقين مثاكيس Advatoris de se ou got de este per العرب ي اللا كسار كسار عناق بين المعر والوالم توب الله الم 13かんはなんとんないれんけいはんいはんといいん ن كسيان م سياي و دو و كالده و الله والله وسيا والرامان بروكم غرمتان مياسك بازت وى دوخش المدول الان كساقه إيد فراك في و فامون ند ما فاك ماستديد في يد مد سيده recent de Long of the circums when I harpfill 上くいんととうかはとれたこれんはいけんけん こうちないんというこんいけいかいといいいかんかんかりゃく

عدل وسعد والمد و المراس والمدال المراس والمراس والمراس ميان

المدنان عرفي ركب ميافه والكسيت مي مالدافت

وول او الما من موس واحق والدو معدود المدود الدولاد والمعلام

لاللها بارداريا يدموت الالف وعديد الرك ليدم على scior vere أكب ون حزت بنيد ومزت أري مرين ادر حزت الجالمان ين ملا والتراث مليم لكيد عكرى عيد جال (المال في الشارسة في والل ومدكوف الدمون منية الهدومات سد وال المعزت مندالت كداس با هدر عضيد بي من من سن كي مشربني منزت بينيات الأثبال الدول بيما ter dust even du tione 2 doing to factorio

3830186 pm 84 - 4 100 1 1 2. Whole インカンコンションカンションスクションとはいいとかり الماعد المالية المالية المالية المساح والمالية والمالية Propres de dispersas en de este para فيسبن والماري والموت الهابر فاس الما الط على كما الدمو ي بار المحد يادى است ي مرادل بالمد مرت عدو الوالد يد

12 horanor the lorde late List bigh はにしていたけんではんなったんじいいのかんかん م وق الله به مزت ارام فال في في زيال ي يرخر والده يلمون من شريعا لامنون كم الم وقدي ومن بريان مريد وبين عال ور بر نودان و موري ال کندم اس وين دست رست نے بيد موال دين in with the desire will de sange مزد والمامية ود في الريد الدو إلهان كيان بي المديدة المديك والروائل والراجات الدياط وإلى الماء ووزاد والماس وال

الم من دادن ما د فرد برا ين مرسه دل بي ترق بي الن دي اي دي اي عارى الدائن في ك لد منروطا كوري ال عاقدي ما المراكا دا. وسفاه والمراج والمراج والمالي والمراوي والاراء المالية ي من جاس من إلى بصله الله و ذكي كين مرجا كدمي قراج المال ويعشارا . أل 10 - Valide Value 10 1 1 2 - 1 52 - 670 مدين ان الحاركة وي الدائم والدورك بقرع الد الدواد 1/2/2 is de de ہم ال وقت مك دولفن كا وى بع بيضى باكتب أب ك ندمت يى بينى ليك بعد ويكن اب بينى ما بى ا

المان الدورة الدرورة المراسد الم كارت ين بش لا كال سارة مامل لروي إلى المناف كرور في اور معرافيات والمائة لام في الك في المازيها یاستان کے سے سال

(はきんないとのでい) يسسد برا، قسط وارفائع برگ بري آب اس مه كي براري عافوق يك ك وا تعات ترقيك لاحظ فرائي كے - ال طرح بارہ اقب طریس پورے تبسی سال كے واقعات جال مكيں گے - يريوت الكيز

ملدات ك فدمت ي زا برسين الرحيض كرد بيد إ

مطينوعات شيخ عندا عاد



اور عبداكري خالد وم. شارليس شهد اير المستثال William For هم. لوايف والمهاديج Loziti.ra

سيدخنهر ومفرى Brit pin 25 MEG/ In CUSICI-14 45 M. 25 Auc 196 187 1 for dr (5) + . c. عبدالكرم خالد

(die) U.Z. 2) JA . FT الكحسد آخا شرف ۲۰ - پاکستان اوتیسری کونیا مساليمة عارق ۲۰ منزل علق

main liter وم . بنيك رمندادل، ستازمغتى 19. July - 194 عام . سي آ في لمن ا ورجاموني كا جال تير، سيعت الدين حساة لص سيعت العابين حسَّا Jexicresides.rx

JA 611-19 الراسيت الدين مشار بالمرممراق . ٥ . سينول كى دادى ا ۵ مرولعزیزی ۱۵ مرومیس کے آئے میں عاسى جعفر سليماغتر

سليم الحتر 1825 May 8.00 مه و شادی منس راه مشات سيراختر منبراغاتر Siciris . 00 وه و کلیات کر دوندالل الأيونس حترت رور کیات کر صدرور عذونسيمترف ٥٥. كايات اكبر ومديم)

الديونس مترت ٥٥- وق ك توسطيع دات غ) derson ربه . تبليغ لساب وحد الله) divizion ١١ - تبليغي أنساب وعقد دوم)

ب- تبليلي ثعباب ومعزموم) devision (かんからはのないないというなんだり ものなん · (ないまりがくからかんこん-4 (アンシンドンかっかとうき・43 ود - رومشي معلومات يونس اومت

whim with. いいのかりはから اعميد أداره تصيفون وكاليعن م. انقلازت عالم م. يعرس كريدان يعطرس كالمارص إيلى عندراقال ه و ال جيسرل سرا و . دوست بنوه دوست بناؤ تسبراروسوى

かんかいい ه . مندل کاک (مدن يونساديب 4- الدراه و كاتبات الإص الموالك المالية والمالية ما ر عزب كلي د كل المقال على كاخى مدا المقار

625 21 11 آلماشرت Sic. 16.0 اشتياق اهمد بهانشا (10 pm = 1) 1/10 100 ه دندن الله Jimes.

(JK) 2:00 14 زور الوازنيدى الم المراكب المسائل المنافرة يوثريها ومت ترجره كال اعبد ريضوى . بر. وعاكرے فرار انهميد الع الم كفوك ومود بغيره الله يونسءويه ٧٧ . قائد اعلائ دست راست الأحتمد خاطك

runjitanji ۲۶. نوت کاشفر ۲۶. مجرب فدا کا دُعاش Paul Braid - Serlitania 1. Sam H. 623. 10 man Destin فواطه مخداصان cra 1 600 2000 Plan Francis VIELUE JOB YA متروان غريدان اسالا ١٥٠ - شوراستون كاللاء ر در آواره کرد کی داری دروس ايهاك

a Spidia. 11 مقبول جهالكمر Webyon. يتونسء الا يونس حسرت 1111600 -17

والمراجع والم والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراع

مطبوعات شيخ غلام على أوني الريث بركسا، وفي الابور



